

معاشیر
جماعتی

یا

قدیمترین مسجد فارس

نخاستگاه

علی قلی بصره‌دزی

در جامع عتیق که ایزد دری ز خلد
در وی گشوده، کسب سعادت کن و کمال



دور نغای مسجد جامع عتیق که خدا اینخانه در وسط
و گنبد شاهجراغ و سید مع محمد (ع) در آن دیده میشود



نشریه شماره ۱۴

کانون دانش‌پارس

معاشیه جماعت عتیق

یا

قدیمترین مسجد فارس

نخاستگاه

علی‌نقی بحسروزی

چاپ موسوی - شیراز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ج

فہرست مندرجات

<u>صفحہ</u>	<u>عنوان</u>
ج	۱ - فہرست مندرجات
د	۲ - فہرست کراورھا
و	۳ - دیباچہ
۱	۴ - توجہ مردم قدیم باحداث معابد
۱۷	۵ - جامع عتیق شیراز
۲۱	۶ - شرح حال فرصت الدولہ
۳۱	۷ - شرح حال حاج میرزا حسن فسائی
۳۲	۸ - شرح حال جناب آقای حکمت
۴۲	۹ - تعمیرات مسجد در عرض ہزار سال
۵۱	۱۰ - کریم خان زند و مسجد جمعہ
۵۱	۱۱ - شرح حال کریمخان زند
۵۴	۱۲ - آخرین تعمیرات
۵۶	۱۳ - شرح حال مرحوم آیت اللہ حاج شیخ یوسف حدائق
۵۷	۱۴ - شرح حال آیت اللہ آقای حاج سید عبدالعزیز دستغیب
۶۰	۱۵ - شبستان بزرگ جدید
۶۲	۱۶ - خدایخانہ یا دارالمصنف
۶۶	۱۷ - شرح حال شاہ شیخ ابواسحاق
۷۶	۱۸ - شرح حال آقای واجد

- ۸۲ - ۱۹۔ کتابخانہ مسجد جامع عتیق
 ۸۳ - ۲۰۔ پیشنهاد
 ۸۴ - ۲۱۔ خاتمہ
 ۸۴ - ۲۲۔ شرح حال آقای علی سامی
 ۸۶ - ۲۳۔ شرح حال آقای فریدون توللی
 ۸۹ - ۲۴۔ یاد بود آغاز دہمین سال کانون دانش پارس

فہرست مگر اورها

- ح - ۱۔ عکس مؤلف
 ۱۹ - ۲۔ مسجد جامع و خدایخانہ
 ۲۰ - ۳۔ منبر چہارده پلہ
 ۲۱ - ۴۔ فرصت الدولہ
 ۲۶ - ۵۔ سنگاب مسجد جامع
 ۲۹ - ۶۔ محراب قدیمی مسجد جمعہ
 ۳۶ - ۷۔ خدایخانہ و حوض جلو آن
 ۳۹ - ۸۔ محراب مسجد جمعہ
 ۴۳ - ۹۔ کتیبہ خط ثلث قدیمی
 ۴۵ - ۱۰۔ کتیبہ سردر غربی - قسمت اول
 ۴۶ - ۱۱۔ کتیبہ سردر غربی - قسمت وسط
 ۴۷ - ۱۲۔ کتیبہ سردر غربی - قسمت آخر
 ۴۸ - ۱۳۔ سردر دوازده امام

- ۵۲ - ۱۴. طاق مسجد و کیل
- ۵۵ - ۱۵. نمونه ویرانی سابق مسجد جمعه
- ۵۶ - ۱۶. مرحوم آیت الله حاج شیخ یوسف حدائق
- ۵۷ - ۱۷. آیت الله آقای حاج سید عبدالحسین دستغیب
- ۵۹ - ۱۸. طاق شمالی مسجد جمعه
- ۶۲ - ۱۹. خدایخانه
- ۶۵ - ۲۰. یکی از مناره های خدایخانه
- ۶۷ - ۲۱. نمای غربی خدایخانه
- ۶۹ - ۲۲. صفحه ای از سی پاره اولی
- ۷۰ - ۲۳. صفحه دیگری از سی پاره اولی
- ۷۱ - ۲۴. وقف نامه سی پاره اولی
- ۷۲ - ۲۵. صفحه ای از سی پاره دومی
- ۷۳ - ۲۶. صفحه دیگری از سی پاره دومی
- ۷۴ - ۲۷. وقف نامه از سی پاره دومی
- ۷۶ - ۲۸. آقای واجد
- ۷۸ - ۲۹. نمونه کتیبه اطراف خدایخانه
- ۸۰ - ۳۰. در مثبت کاری خدایخانه
- ۸۵ - ۳۱. آقای علی سامی
- ۸۶ - ۳۲. آقای فریدون توللی
- ۸۷ - ۳۳. آقای جلال الدین پیرزاده

دیباچه

« بنام آنکه هستی ، نام از او یافت »
 « فلک جنبش ، زمین آرام از او یافت »
 « نظامی »

ایمان باک و معتقدات دینی و مذهبی محکمی که از مورث خانواده کی ماست و از اوان کودکی در نهاد من جایگزین گردیده ، مرا بکلیه مظاهر دینی و مذهبی و هرچه نامی از « پروردگار بزرگ » داشته باشد علاقمند و پای بند ساخته است

بهمین سبب در ضمن مطالعات کتب تواریخ و تذکره ها ، با آنچه مربوط به علماء و دانشمندان ، فقها و عرفه بوده ، توجه زیادتری داشته‌ام و در خارج نیز بمشاهده مساجد و مدارس بیشتر راغب بوده و مخصوصاً مایل بودم که تاریخچه مساجد و کتیبه های آنها را خوانده و با ضبط کنم .

در میان مساجد و مدارس قدیمه زیاد شیراز «مسجد جامع عتیق» که آنرا «مسجد جهه» هم گویند مقام خاصی دارد زیرا که قدیمترین

مسجد جامع بزرگی است که در فارس بنا شده و شهرت عالمگیر آن در اقطار عالم رفته است و علماء و خطباء، فقها و مجتهدین، عرفا و مدرسین بزرگی در آن مدرس و منبر و محراب داشته اند و هم معروف است که: ابن مسجد هیچگاه از وجود اولیاء الله خالی نبوده و نخواهد بود. نوضت بزرگی **ص** که از بیست و پنج سال باینطرف، چه از طرف اداره باستانشناسی فارس و چه از طرف علماء و مردم با ایمان شیراز برای تعمیر و مرمت ابن مسجد شریف بوجود آمده و خوشبختانه آنرا از حالت ویرانی بصورت یک مسجد آباد و مهمی در آورده و مخصوصاً کوشش بسیار و علاقمندی و افریکه عموم طبقات برای احیاء ابن مسجد تاریخی و باستانی بکار برده و میبرند مرا بر آن داشت که تاریخچه بنا و تعمیرات و تحولانی را که ابن مسجد در عرض مدت «یکهزار و یکصد سال» که از تاریخ آن میگذرد دیده، مورد تحقیق و تتبع دقیق قرار دهم. از اینرو از دهسال پیش با حوصله و دقت بسیار مجاهده بکار برده و در اطراف تاریخچه و تعمیرات و کتیبه های آن تحقیق و تتبع کردم و اکنون نتایج زحمات این مدت مدید خود را بصورت این کتاب و بعنوان «چهاردهمین نشریه کانون دانش فارس» چاپ و انتشار میدهم.

بسیار خرسند و مسرورم که نشر این کتاب با بزرگترین و مقدسترین اعیان عالم تشیع که «میلاد - هود - ولای متقیان حضرت علی ابن - ابیطالب علیه السلام» است و همچنین «آغاز دهمین سال تأسیس



انجمن علمی و ادبی کانون دانش
پارس» و «یکهزار و یکصدمین
سال ساختمان مسجد جمعه»
مصادف گردیده است.

امید است که این کتاب در محضر
علماء و دانشمندان و طبقات مختلفه
حسن قبول یابد و پیاداش زحماتی
که در راه نگاشتن آن متحمل
شده‌ام، امر ابدعای خیری یاد فرمایند.

علی اقی - بهروزی

شیراز - ۱۳ رجب ۱۳۸۱ ه. ق.

مطابق - آغاز دیماه ۱۳۴۰ ه. ش.



علی سامی

توجه مردم قدیم باحداث معابد

در دنیای قدیم بیش از هر چیز برای استحکام و زیبایی و شکوه پرستشگاهها اوقات و مصالح و مخارج فراوانی مصرف میکردیده است. خانه شخصی و فردی موقتی و از خشت و گل میتوانسته بنا شود و رفع احتیاج چندروزه عمر کوتاه بشر را بنماید ولی خانه خدایان، که عمر جاودانی داشته اند میبایستی جاودانی و عمومی و همیشگی باشد. بنابراین از مصالح بادوام چون سنگ و آجر بنیان گذاری میشده و حتی بعد از احداث معابد توجه مردم به ایجاد کاخ شاهان و آرامگاه آنها معطوف میکردیده و از همین جهت آنچه را از دوران کهن باقی مانده و بنظر ما میرسد، یا بقایای پرستشگاهها و خانه خدایان و آتشکده هاست یا کاخها و آرامگاههای پادشاهان که خود اکثراً مقام خداوندی و یانیمه خدائی داشته اند، میباشد. در مصر، در کشورهای آسیای غربی، هند، چین، ژاپن و همچنین در کشور خود ما از بقایای اینگونه آثار و معابد فراوان و حتی در کشورهای اروپائی نیز آنچه را که بیش از همه میتوان قدیمتر دانست بقایای اماکن مقدسه و قصور است. آثار معبدی مربوط به مهر (میترا)

هنگامی که مهر پرستی از ایران تا قلب اروپا پیش رفته بود هنوز در حوالی شهر دین برجا و نمودار میباشد .

برای ساختمان و تزئین معابد از بهترین مصالح و گرانیه‌ها ترین سنگ‌ها و لوآنکه از جاهای بسیار دور باید فراهم گردد ، استفاده مینموده‌اند معبد نزار Nannar در شهر اور (از شهرهای باستانی سومر در جنوب جلگه بین النهرین) با سفالهای رنگین فیروزه ای مزین و در داخل اطرافها و رواقهای آن الواحی از چوبهای گرانیه‌ها و کعباب آن زعمان از قبیل ارز و سرکه روی آن با قطعاتی از سنگهای مرمر درخام و عقیق و طلا معرق سازی و منبت کاری شده بود قرار میداده اند .

در جلگه بین النهرین که محل نمو و پرورش تمدن باستانی مشرق زمین بوده است کهن ترین پرستشگاه که از عهد باستانی بدست آمده	زیگورات ها و پرستشگاههای خدایان
--	---------------------------------------

بناهایی هرمی شکل از آجر یا خشت خام بنام زیگورات Ziggurat میباشد قدیمترین نوع از آن برج نیپور Nippur پرستگاه انلیل Enlil یا اللیل Ellil خدای زرك سومر بها بوده است . انلیل پروردگار هوا و بخشنده پادشاهی و پیروزی و شکست در پیکارها را از طرف او میدادانسته اند .

برای سومر بها چون ساختمان مناره و گنبد و برج بصورتی که در قرون سالفه معمول گردید میسر نبود ازین جهت معابد خود را از چند طبقه که اغاب هفت طبقه بوده است میساختند ، هر طبقه از طبقه زیرین

کوچکتر و توسط پلکان با سطح مورب مارپیچی که دور تا دور بنا می‌گشته به سطوحها و در نتیجه بیابای زیگورات میرفته اند. علت ارتفاع زیاد این پرستشگاهها را اینطور توجیه نموده که سومر بها معتقد بودند سین Sin رب النوع ماه درون قابی نشسته و در آسمانها در جولان است ازینرو برای عبادت و قربانی و اجرای سایر مراسم و دسترس پیدا کردن بآب باید در جاهای مرتفع رفت ازینرو پرستشگاه را هر قدر میتوانسته از سطح زمین بلند تر میساختند.

زیگورات بزرگ و بزرگترین زیگوراتی که تاکنون بدست آمده قدیمی چغا زنبیل در چغا زنبیل سی کیلومتری جنوب شرقی شوش در خوزستان میباشد که حدود ۳۵۰۰ سال پیش یعنی زمان

« اونتاش گال ، پسر « هوم بانومنا ، پادشاه عیلام در دوره شوش دوم بنا گردیده است و خرابه های آن چند سال پیش توسط هیئت علمی فرانسوی مأمور حفاری شوش از زیر خاک بیرون آمده و اضلاع سطحه اولی هر يك به ۱۰۵ متر میرسد و ارتفاع اولیه آن بر طبق تشخیص مکتشفین آن به ۵۳ متر میرسیده . این عبادتگاه مانند شهر شوش در اثر حمله آشور بانی بال جهانگشای آشوری به خاک عیلام و انهدام شهرها و تأسیسات آن و بالاخره انقراض عیلام در سال ۶۴۵ ق . م . خراب و به تل بزرگی از خاک تبدیل شد . از سال ۱۳۱۴ مورد خاکبرداری و کاوش قرار گرفت . در بسیاری از نقاط جلگه بین النهرین بقایائی ازین معابد پیدا شده من جمله زیگوراتی در جوار قصر بیلاقی سارکن دوم پادشاه

آشور بوده که توسط امیل بوتتا Emil Botta کشف گردید و برجهای دیگری در خور ساپان و سایر نقاط دیده شده است .

هرودوت وصف پرستشگاه بزرگ بابل را کرده که ذکر خلاصه آن برای آگاهی بعظمت يك معبد بزرگ دنیای قدیم بیمناسبت بنظر نمیرسد . این مورخ ارتفاع معبد را ۹۱ متر نوشته ولی باستان شناسان قرن اخیر ضمن کاوشهایی از ویرانه های بابل مانده هایی ازین معبد را که یافته اند با محاسبه از روی خشتهای کلی و وضع محل و پلکان و ستونها ، قاعده برج را نود در نود متر و سایر طبقات را بشرح زیر حدس زده اند :

طبقه اول ۹۰×۹۰ متر و با ارتفاع ۲۳ متر

طبقه دوم ۷۳×۷۳ متر با ارتفاع ۶ متر

طبقه سوم ۶۰×۶۰ متر با ارتفاع ۶ متر

طبقه چهارم ۵۱×۵۱ متر با ارتفاع ۶ متر

طبقه پنجم ۴۲×۴۲ متر با ارتفاع ۶ متر

طبقه ششم ۲۴×۲۴ متر که ارتفاع آن با ارتفاع طبقه آخر و بهم رفته

۱۵ متر است .

طبقه زیرین جایگاه « مردوک » خدای خدایان بابلیها بوده است . توجه خاص پادشاهان پادشاهان کشورهای قدیمه که خود اکثراً به احداث معابد رؤسای مذهب و متولیان و اداره کنندگان معابد نیز بوده اند برای احداث و تعمیر و تزئین و تجلیل پرستشگاهها مساعی فردانی مبذول میداشته و از هر گونه مخارج و وقف کردن املاک و دارائی و اسباب بر آن معابد و اهداء طلا و جواهرات دریغ نمینموده اند

تاسر مشقی جهت سایر مردم باشد .

ملکه حجیوت Hatahepsut (۱۴۷۵-۱۴۹۵ ق . م) بریکمی ازدو ستون که حوالی معبد کرنک Karnak برپا ساخته از مقدار طلائی که مصرف کرده چنین نوشته است :

« این ستونها از سنگ خارائی ساخته شده که از کانهای جنوب آورده اند . تاج آنها از بهترین طلای کشورهای بیگانه است . بر روی رودخانه آنها را میتوان دید ، درخشندگی شعاع آنها هر دو ، زمین را برمیکند و هنگامی که قرص خورشید میان آنها جای دارد چنان مینماید که برآستی در افق آسمان بالا میآید ... شما که این دو یادگار را پس از زمان درازی خواهید دید و از آنچه من کرده ام سخن خواهید گفت لابد خواهید گفت ما نمیدانیم چگونه چنین کوهی از طلا را برپا داشته اند ... من برای زرین کردن این ستونها طلا را مانند کیسه های غله کیل کرده بمصرف رسانیده ام ... چه میدانستم که کرنک افق آسمانی زمین است . »

نیوپالاسار Nibu Palassar پادشاه بابل میزان علاقه و ایمان خود و فرزندش و مردم را برای گردآوری مصالح ساختمانی پرستشگاه مردوک رب الارباب بابلیها واحداث معبد بزرگ شهر بابل ضمن کتیبه ای چنین بیان داشته است :

« دستور دادم که از راه قنات اراحتو مقداری گل قرمز مانند بارانی که حساب ندارد یابوسیله بر که های ایرانی که از دادیها میگردد بدین

محل بیادروند ... و سرخود را برای ستایش خداوند بزرگ خود مردوخ فرود آوردم و جامه خود را که نشانه و رمز پادشاهی من است از تن بدر آوردم و بر روی سرخود گل و شل و خاک و سنگ حمل کردم . اما پسر ارشد عزیزم بخت النصر که از صمیم قلب دوستش میدارم گل و شل و هدایایی از قبیل شراب و روغن حمل میکرد و این چیزی بود که رعایای من از آن تبعیت کردند ... »

نظیر این اقدامات از طرف سلاطین کشورهای قدیمه برای احداث معابد زیاد است که از میان آنها دو کتیبه بالا مذکور گردید و ذکر بقیه آن از موضوع این بحث خارج میباشد .

علاقه شهریاران هخامنشی و اشکانی و ساسانی با ایجاد و دائر نگاه داشتن پرستشگاهها و آتشکدهها در زمان شاهنشاهان هخامنشی و اشکانی و ساسانی و مخصوصاً در زمان سلطنت سلسله آخری آتشکده ها و پرستشگاه های متعددی جهت اناهیتا و میترا در سراسر حوزه شاهنشاهی برپا داشته بودند که همه آنها پر از ذخائر و نفایس بوده است . آتشکده آذر گشنسپ را از لحاظ خزائن و جواهرات و ثروت بیکرانیش کنجک (کنج) مینامیده اند و ابن خرداد ذبه و دیگر تاریخ نویسان اسلامی ضمن وصف همین آتشکده نوشته اند که شهریاران ساسانی هنگام تاجگذاری از تیسفون (مدائن) با پای پیاده بزیارت آن میرفته اند (۱)

۱ - شرح مفصل این آتشکده و سایر آتشکده ها در صفحه ۱۴۱ کتاب

آثار تاریخی جلگه مرودشت تألیف این جانب مذکور گردیده است

توجه مردم و پادشاهان با حیای معابد و مساجد و سایر امکنه مقدسه و تعمیر آنها در ایران یکی از وظائف ملی و دینی بوده است که مرور در تاریخ گذشته این سرزمین قسمتهائی از آنرا نمودار میسازد. داریوش بزرگ جهاندار هخامنشی در کتیبه بیستون از ترمیم پرستشگاههائی که در چند ماه فترت بدست گشومات مغ ویران شده بود بحث مینماید و خشیارشا در الواح سنگی پیدا شده در حر مسرا و خزانه تخت جمشید در یکی از آنها که به کتیبه دیوان نامیده شده است از برجیدن معابد دیوان و تقویت پرستشگاههای مزدیسنا مطالبی دارد که توجه آنها را نسبت بامور معابد و امکنه مقدسه تأیید مینماید. از شاهان اشکانی و ساسانی مخصوصاً پادشاهان سلسله های بعد از اسلام که دیگر تحول مذهبی در این کشور روی نداده و بزمان آنها نیز نزدیکترین روایات و کارهائی در همین زمینه نقل شده که شواهد آنها احداث مساجد زیاد و ساختمان قبور مردگان و امامه اطهار میباشد.

نخستین مسجد: اولین مسجد که در اسلام ساخته شد زمان حضرت پیغمبر بود. پس از آنکه وحی بهجرت نازل گردید حضرت محمد (ص) با پیروان خود از مکه بسوی مدینه هجرت فرمود و این همان سالی است که بعدها در زمان خلافت عمر مبدأ تاریخ مسلمانان قرار گرفت و برابر با سال ۶۲۲ میلادی میباشد. بزرگان و مسلمانان مدینه که تعداد کمی بودند هر کدام مایل بودند حضرت در منزل آنات ورود فرماید ولی پیغمبر برای آنکه تولید اختلاف و تبعیض و نگرانی بین یاران نشود

مهار شتر را رها کرد و در کوچه‌های مدینه برای افتاد تا هر جا شتر زانو بزند همانجا منزل فرماید^۴ اتفاقاً شتر پس از طی مسافتی راه در زمینی متعلق بدو نفر طفل یتیم بنام‌های سهل و سهیل فرزندان عمرو زانو زد حضرت آن اراضی را از صاحبانش خرید و بنام مسجد مشغول ساختمان شد و موقتاً در خانه ابویوب انصاری منزل گرفت .

بنای مسجد بسیار ساده و عبارت از يك حصار ازخشت و آجر و يك ایوان جهت نماز گزاران بود که باتنه‌های نخل ستون بندی و مسقف شده و قسمت دیگر مسجد برای بینوایانی که خانه نداشتند ترتیب داده شده بود و خانه خود حضرت نیز در جوار آن بنا گردید . ایوان مسجد که جای نماز گزاران بود در سالهای اولیه شبها با سوزاندن بر کهای نخل روشن میشده و چند سال بعد چراغهایی برای روشنایی بستونها نصب کردند . بنابراین مساجدی که اعراب در بدو اسلام ساخته اند از لحاظ عدم اطلاع بر موز هنری و معماری ساده و فاقد هر نوع سلیقه و سبک قابل اهمیتی بود از مسجد فضای محصور و يك حوض برای شستشو و وضو گرفتن و ایوانی که نماز گزار را از سرما و آفتاب سوزان محفوظ بدارد و اجرای فرائض دینی چیز دیگری انتظار نداشتند ولی در ایران و سایر کشورهای متمدنی که تحت نفوذ اسلام قرار گرفته بودند بنا به عادت دیرین که معابدشان مجلل بود سعی مینمودند تا مساجد را چون معابد قدیمه با بهترین و زیباترین سبک هنری و معماری بسازند .

تقلید از سبک معماری
 ساسانیان برای
 ساختمان مساجد

فتح سریع ایران بدست اعراب و تحول
 مذهبی که درین کشور بدست مسلمانها پدید
 آمد مستلزم تغییر و تبدیل معابد طبق قوانین
 و رسوم مذهب اسلام بود بنابراین سه نوع مسجد در ایران بوجود آمد.
 یک نوع همان معابد قدیمی بود که تغییر صورت داد و بشکل مسجد درآمد
 مانند مسجد سنکی داراب و مسجدی در شهر استخر و نظائر آن. نوع
 دوم مساجدی بوده ساده بهمان شکل مساجد اعراب که در بالا
 مذکور گردید مانند مسجد شوش و نوع سوم مساجدی است که
 ذوق و سلیقه ایرانیان در آن کاملاً دخیل بوده و دارای جنبه هنری
 شایان اهمیتی است مانند تاری خانه دامغان مسجد ری و همین مسجد
 جامع عتیق شیراز که در صحائف آینده مورد بحث قرار گرفته است.

مساجد قدیمی ایران
 ظاهراً از مساجد بسیار قدیمه‌ای که تاکنون
 دیده شده مسجدی است در شوش که مقداری
 از پایه های آجری آن باقی مانده و مکتشفین تاریخ احداثش را بقرن
 اول هجری حدس زده‌اند و دیگر مسجدی در ری بوده که بعقیده دکتر
 اشعیت در زمان المهدی خلیفه عباسی (۱۵۸ تا ۱۶۹ هـ) ساخته شده
 و ساختمان تاری خانه دامغان را نیز که نسبتاً سالم مانده باواخر قرن
 دوم هجری منسوب دانسته‌اند (۱) و پس از این سه مسجد، مسجد جامع

۱. در مسجد تاری خانه دامغان بسیاری از اسلوب ساختمانی ساسانی کاربندی
 شده و طاقها روی پایه های آجری که از خصائص معماری زمان ساسانیان
 است استوار گردیده است

عتیق شیراز است که در این رساله بطور تفصیل توسط دوست و همکار ارجمند آقای علی نقی بهروزی عضو دانشمند کانون دانش پارس مورد تحقیق و تشریح قرار گرفته در عداد قدیمی ترین مساجد ایران و قدیمترین مسجد در فارس تشخیص داده شده است .

نفوذ هنر و معماری ساسانی نه تنها در احداث مساجد داخل ایران مؤثر بوده بلکه در بسیاری از مساجد خارج ایران نیز ازین سبک تقلید گردیده است . مسجد بصره که در سال ۴۵ هجری (۶۶۵ م) بدست زیاد ابن ابیه ساخته شده چون وی قبلاً از طرف خلیفه حاکم شهر استخر فارس بوده بی شبهات بساختمانهای تخت جمشید و استخر نبوده است و همچنین طبری مینویسد که استادان و معماران مسجد کوفه که در سال ۵۰ هجری (۶۷۰ م) ساخته شده بسبک ابنیه ایرانی و معمار آن مسجد در خدمت آخر بن پادشاه ساسانی کار میکرده است .

و عظ و تبلیغات و فحص	مساجد علاوه بر انجام تشریفات و اعمال
و بحث امور اجتماعی	مذهبی مرکز تجمع مردم و مباحثه و تدریس
و سیاسی در مساجد	و اخذ تصمیمات سیاسی و اجتماعی نیز بوده

است و بسیاری از مدرسین و دانشمندان و قضات عالی مقام حوزه های دینی و علمی و قضائی خود را در مساجد تشکیل میداده اند . حوزه های درس نیشابور و بلخ و هرات و بغداد و فارس معروف و در بسیاری از تاریخهای قدیمی یاد گردیده است . از قرن چهارم هجری بیعد در شهرهای معروف مدارس نیز جنب مساجد ساخته شد و مساجد و مدارس توأمأ محل

تدریس و مباحثه و اجتماعات شد. در شهرهای بزرگ پیوسته يك يا چند مسجد بزرگ بنام مسجد جامع یا مسجد جمعه وجود داشته که در اوقاتی از روز و مخصوصاً روزهای جمعه و ایام متبر که مردم در آن جمع شده علاوه بر ادای فرایض دینی، اصفای وعظ و خطابه و عاظ و خطبای ارامینموده اند در شیراز نیز ازین مساجد متعدد بوده که معروف ترین آنها فعلاً مسجد جامع عتیق - جامع جدید (مسجد نو یا مسجد اتابك) - مسجد وکیل - مسجد نصیرالملک - مسجد مشیر میباشد.

سبك بنای خداخانه مسجد جامع عتیق آنچه از بناهای جالب از سبك بناهای ساسانی الهام گرفته و هنری دوران گذشته که در مسجد جامع عتیق باقی مانده و در چند سال اخیر بهمت مأمورین باستانشناسی تعمیر گردیده بنای وسط مسجد است بنام «خداخانه» یا «بیت المصحف» سبك بنا و حجاری و کتیبه و معرق کاری و بکار بردن سنگهای معرق منقوش بکپارچه در ایوانها از شاهکارهای هنری قرن هشتم هجری شیراز میباشد که در زمان سلطنت شاه شیخ ابواسحق اینجو (پادشاه سلسله آل اینجو) بسال ۷۵۲ هجری مطابق ۱۳۵۱ میلادی بنا گردیده و بطوریکه این بطوطه نوشته و خود ناظر بوده است در زمان همین سلطان بنای يك کاخ رفیعی بسبك و نظیر ایوان مدائن آغاز میگردد که تا این سیاح در شیراز بوده سه ذراع از آن بالا آمده بود.

در کنار شهر سروستان آثار يك بنای زیبا و قدیمی بادوسر در سنگی منقوش و معرق سنگی بجای مانده که بقبر شیخ یوسف معروف میباشد.

تاریخ سنک قبر ۶۸۰ هجری ولی تاریخ بنای چهارطاقی روی آن بر سردر شرقی ۷۱۴ ه ذکر شده و در هر دو صورت مربوط با اوایل قرن هشتم و حدود نیمقرن از ساختمان بنای خداخانه مسجد جامع عتیق شیراز جلوتر است سبک این ساختمان که از اسلوب بنای کاخ ساسانی جنوب غربی سرستان الهام گرفته مورد تقلید معماران و سازندگان خداخانه مسجد قرار گرفته است . ستون ابوانهای چهارطرف و با ستونها و سنگهای مقرر یکپارچه بکار رفته در ابوانها بانقش و نگار و اسلیمی کاملاً با ستونهای پایه طاق بقعه شیخ یوسف و حجاریهای سردر شبیه و مانند است و حتی کاشی کاری اطراف بقعه با کاشی کاری درون خداخانه یکسان بوده است . چون بطور تفصیل این بنا توسط همکار گرامی آقای بهروزی مورد تحقیق قرار گرفته بنا بر این می‌نیازد از توضیحات بیشتری درین باره میباشد .

توجه مردم و اولیای امور در دره پرماجر او آشوب ما با آنکه
 درین عصر و زمان با حیا و ترمیم گرفتار بهای زندگی و تلاش معاش
 مساجد و اماکن مقدسه دینی و فعالیت‌های دیگر اجتماعی که مولود

تحولات جدید تمدن سریع السیر دنیا و نیاز مند بهای امروز بشری در قرن حاضر
 میباشد مردم را سخت مشغول و گرفتار ساخته است باز در ادای وظائف
 دینی و سنت های گذشته خود تا حدود امکان مضایقه نمیشود و به حقیقت
 میتوان گفت که جنبش و تلاش مردم برای این قبیل امور دینی به مراتب
 بیش از ادوار گذشته میباشد ، نمونه بارز آن احیای همین مسجد جامع
 عتیق میباشد که مردم شیراز از جیب قنوت خود با ایمان و علاقه خاصی

جهت ترمیم و تجدید بنای مسجد ده‌ها ملیون ریال پول پرداختند و يك ویرانه مخوف ازهم پاشیده‌ای را بصورت يك عبادتگاه آبرومند مجللی در آوردند. نمونه بارز دیگر توجه و علاقه دینی مردم بمساجدنو بنیادی است که در فاصله ربع دوم قرن اخیر در خیابانهای خیام - مشیر - منوچهری داریوش - کارخانه سیمان - قریه سعدی و سایر گوشه و کنار شهر ساخته شده. مضافاً بر اینکه ملیونها ریال برای ساختمان کنند حضرت احمد بن موسی (شاه چراغ) علیه‌السلام و سایر تعمیرات داخل حرم و احیا و ترمیم سایر مقابر متبر که کمک نموده‌اند. اولیای امور نیز بسم خود از تعمیر مساجدی که جنبه باستانی و هنری دارد و سایر امکنه مقدسه دینی و ملی فروگذار نکرده و کوششهای فراوانی مبذول داشته‌اند که در خور تحسین و سپاسگزاری است.

نه تنها در کشور ما بلکه در سایر کشورهای خارجی نیز توجه مردم بمعابد و کلیسا نقصان نیافته بلکه شواهدی بر تقویت آن در دست است و نویسنده بیهمناسبت نمیداند که چند فقره از آنرا که خود در چند کشور اروپائی دیده است باستحضار خوانندگان ارجمند رساند:

در شهر وین پایتخت اطریش کلیسای بزرگی است بنام سنت تین (استفان) این کلیسا یکی از شاهکارهای هنری و معماری قرن گذشته میباشد که بسبب کلیسای نتردام پاریس ساخته شده است سقف ضربی رفیعی دارد به بلندی در حدود سی متر که برستونهای طرفین تالار متکی و در صدر تالار محراب بزرگ باشکوه و جالبی ساختا شده که باتزیینات

و نقاشیهای نفیس مزین و منقوش گردیده است . سقف این اثر نفیس مذهبی درواجر جنك بین الملل دوم در اثر بمبهای مخرب طرفین متخاصم خراب میگردد . همت مردم و كمك شهرداری محل و مساعدت مردمان سایر شهرهای اطریش سبب گردید تا این مرکز مقدس مذهبی بزودی تعمیر و از نو ساخته گردد ، علاوه بر اعانات پرداختی مردم و شهرداری تمام مرمرهای کف تالار و بدنه ها را شهر سالسبورگ و چراغها و جارها (لوستر) تالار را استان بورگن لند و چوبهای میز و نیمکت و صندلی و غیره را ناحیه کرانتی (سرحد اطریش و بوگو سلاوی و ایتالیا) هدیه مینماید .

پس از پایان بنا طی مراسم باشکوه رسمی کلیسا مجدداً افتتاح و ناقوس آن بصدا در میآید . ناقوس کلیسای بزرگ رم پاسخ صدای ناقوس این کلیسا را میدهد و سپس پاپ بزرگ از مقر خود در واتیکان نطق مهمی ایراد و از مردم دین و اطریش که همت کرده کلیسا را از نو دایر ساختند اظهار تشکر و قدردانی مینماید و گناهان همه مردمی را که در این راه همکاری نموده بودند میبخشد . این تقدیر از طرف پاپ بی دوازدهم برای مردم اطریش بسیار گرانبها و تقریباً بی نظیر بوده است .

هنگامی که نویسنده برای شرکت در بیست و چهارمین کنگره مستشرقین و ایراد يك سخنرانی در آن مجمع ، بآلمان مسافرت نموده بودم چند روزی پس از خانمه کنگره در اطریش بسر بردم توفیق دیدار این کلیسا نیز ضمن آثار دیدنی شهر وین نصیب شد در آن سال که ۱۹۵۷ میلادی بود سردر مجلل و رفیع آنرا مشغول تعمیر شده بودند و راهنمای ما اظهار هیداشت

که تا یازده سال دیگر طول خواهد کشید تا بنای این سردر تمام شود. چند روز پیش از آنکه دور و بر سردر را منجنيق و چوب بندی نمایند بر حسب تقاضای مردم سه شب نورافکنهای قوی سردر را نمودار ساخت تا مردم وین بیایند و خدا حافظی کنند زیرا تا یازده سال بعد چشمشان این سردر را دیگر نمیدیدند.

کنبدی ازین کلیسا که از کاشیهای رنگین عالی ساخته شده و روی آن نقش عقاب هابسبورگ میباشد در اثر سانحه‌ای خراب میگردد. شهرداری وقت میخواسته بسبک جدیدتری آنرا بسازد مردم مانع میشوند و اصرار مینمایند که باید بهمان سبک قدیم خود ساخته شود و برای اینکار همه مردم باخرید بلیطهایی در ساختمان مجدد آن بسبک قدیمش مساعدت مالی قابل اهمیتی مینمایند روز اختتام گنبد پیر مرد فقیر زنده پوشی خوشوقت و مباحی بوده است که پول پنج کاشی گنبد را از جیب خود باخرید کارت پستال داده است.

بسیاری از کلیساهای لندن در جنگ دوم جهانی در اثر بمباران بی دربی آلمانیها ویران و چند سالی پس از جنگ طول نکشید که همه با توسط دولت یا مردم تعمیر و بحال اولیه خود برگشت تنها برای تعمیر کلیسای بزرگ وست مینستر بطوری که راهنمای ما میگفت دولت یکمیلیون لیره انگلیسی که پول ما در حدود بیست و یکمیلیون تومان میشود اعتبار تخصیص داده بود. ضمن همین مسافرت در کنار خیابان بزرگ بران بقابای یک کلیسای قدیمی دیده شد که مردم از شهرداری خواسته بودند

بهمان حال نگهداری شود تاخود برای تعمیر آن اقدام نمایند .
 این بود نمونه ایمان مردم بمقدسات و معتقدات خود در کشورهای اروپائی .
 يك نگرانی غیر قابل جبران : با وجود مساعی و فداکاری فرارانی
 و شایان تقدیر مردم و علاقه مندان در راه احیای مسجد جامع عتیق
 متأسفانه رعایت حفظ قسمتهای قدیمی مسجد بعمل نیامد و با آنکه
 جاساتی بهمین منظور در زمستان سال ۱۳۲۱ با حضور حضرت آیه الله
 آقای رضوی و آیه الله فقید مرحوم حاج شیخ یوسف حدائق و آیه الله
 آقای حاج سید عبدالحسین دستغیب و جناب آقای سید محمد تقی مصطفوی
 مدیرکل سابق باستانشناسی تشکیل و توصیه شده بود که بانیان نیکو کار
 قسمتهای کهنه را حتی الامکان بحال خود نگاهدارند مع هذا بطوری که
 شنیده شد چند تن از آنها بعد از اینکه پایه ها بکلی متلاشی و استحکام
 اولیه را از دست داده زیر بار این توصیه نرفته و تغییراتی در بنا دادند
 که اصولاً از نظر حفظ جنبه باستانی آثار بصالح و صواب نزدیک نبوده
 است . در هر صورت بطور کلی درین قبیل موارد اگر اضطرار در کار
 نباشد ، عدم رعایت سبک و قدمت در تعمیر آثاری که جنبه باستانیش
 میچربد بویج چیز جز بی سلیقهگی و نارسائی فکر نمیتوان به چیز دیگری
 تعبیر نمود .

اول دیماه ۱۳۴۰ شمسی

علی سامی

جامع عتیق شیراز

یا

قدیمترین مسجد فارس

چون « یعقوب بن لیث » سفار در سال ۲۶۵ هجری قمری در « جندی شاپور » جهانرا بدرود گفت ، برادرش « عمرو بن لیث » به سلطنت نشست . (۱) پس از مدتی که در سیستان و کرمان فتوحاتی کرد ، در سال ۲۷۶ هجری قمری بفارس لشکر کشید و باقشون « العوفق بالله » خلیفه عباسی که برای دفع او فرستاده شده بود ، جنگید و آنرا شکست داد و قریب چهار هزار نفر را باسارت گرفت و مظفر و فیروز بشیراز وارد شد و

۱ - عمرو بن لیث سفار پس از فوت برادرش یعقوب در سال ۲۶۵ هجری قمری به سلطنت رسید و لشکر یانرا بمتابعت خود در آورد و چون به خلیفه عباسی « محمد » اظهار اطاعت کرد حکومت فارس و کرمان و اصفهان و سیستان و شهنگی بغداد بوی معول شد و بامخالفان خود جنگید و « رافع بن هرثمه » را مغلوب ساخت .

عمرو پس از فتوحاتی که در کرمان و خراسان و خوزستان و فارس کرد در مدد تصرف ماوراءالنهر که در تصرف « اسماعیل سامانی » بود برآمد ولی در اولین روز جنگ که در سال ۲۸۷ هجری قمری صورت گرفت ، عمرو بطرز عجیبی اسیر شد و او را ببغداد فرستادند و مجبوس گردید تا در سال ۲۸۹ ه . ق . وفات یافت .

دستور داد تا نام خلیفه را از خطبه حذف کردند و بدین طریق استقلال خود را اعلام داشت .

«عمر ولایت» دستور داد تا بشکرانه این پیروزی بزرگ طرح مسجد بزرگی را در شیراز بریزند که از هر حیث بیسابقه و آبرومند باشد لذا کارگزاران او برای اجرای امرش مشغول فعالیت شدند و مسجد مزبور در سال ۲۸۱ هجری قمری با تمام رسید .

این مسجد که بنامهای «جامع عتیق» و «مسجد جمعه» و «مسجد جامع» و «مسجد آدینه» نامیده میشود قدیمیترین مسجد جامع است که در فارس بنا شده است (۱)

این مسجد بنائی رفیع و مجلل و حجره‌ها و شبستانهای متعددی داشته که بعضی از آنها دو طبقه بوده است .

مسجد مزبور شش در داشته است (۲) در شمالی آن (در مجاور مسجد طبالبیان کنونی) به «در دوازده امام» معروف است و سردر مهمی دارد .

علت تسمیه این در به «دوازده امام» این است که هنگام تعمیرات مسجد که بامر «شاه عباس کبیر» در سال ۱۰۳۱ ه. ق. صورت گرفت اسامی دوازده امام را بخط «غیاث الدین جوهری» خطاط معروف

۱- مساجدی که پیش از آن بوده یا کوچک و بی اهمیت بوده و با از بین رفته است .

۲- هنوز هم شش در دارد بدینسان : دودر ، سمت مشرق - دو در ، سمت مغرب - یکی در شمال و یکی در جنوب .

بر روی کاشی نوشته در جزر بیرونی آن نصب کردند (۱)



مسجد جامع عتیق شیراز که خدا یمناء در وسط آن دیده میشود

هم اکنون قسمتی از آن دوازده امام سابق، در دو کتیبه، در جزرهای طرفین سردر مزبور باقی است و بقیه دوازده امام را که ریخته بود، در تعمیرات جدید، در دو کتیبه دیگر تهیه و بدان افزوده اند.

۲- این وجه تسمیه از افادات دانشمند محترم آقای محمد جعفر واجد است

خارج از مسجد ، بناها و اطاقهای متعددی وجود داشته که بتدریج در اثر زلزله ها ویران گردیده و امروزه بصورت منازل شخصی در آمده است چنانکه سال گذشته که نخاله های شبستان جنوب غربی را برداشتند تا آنرا بسازند بتوپی دیده شد که دیوار های منازل اطراف ، بر روی شالوده ها و طاقهای سابق مسجد بنا شده است !

بدیهی است مسجد مزبور دارای رقبات و موقوفات بسیاری بوده که



بتدریج از بین رفته
است (۱)

در شبستان جنوبی
آن ، نزدیک
محراب ، منبری
چوبی که دارای
چهارده پله است
(بتعداد چهارده
معصوم) قرار
گرفته و گویند
قبر « عنقه » (۲)
در آنجا قرار
دارد .

منبر معروف چهارده پله مسجد جامع هتیک

(پاورقی ذیل صفحه بعد)

« دانشمند فقید فرصت الدوله » (۲۵) در کتاب معروف خود بنام
« آثار عجم » نوشته است که :

یاوردی صفحه قبل

- ۱- در حال حاضر موقوفات مسجد جامع عتیق بشرح زیر است :
- ۱- دو دانگ حمام گلشن ۲- عرصه دکانهای بازارچه غربی پشت مسجد
- ۳- قطعه زمینی که مجاور مسجد است و در آن عسبر بافی میشود .
- ۲- عتقه پیرزال سروستانی است که ذکر آن بیاید .



۳- میرزا محمد نصیرالحسینی ملقب
به « فرصت الدوله » و مشهور به
« میرزا آقا » و متخلص به « فرصت »
در سال ۱۲۷۱ هـ . ق در شیراز متولد
شد و علوم ادبی و عربی ، منطق و
حکمت ، فنون شعر و نقاشی را نزد
اساتید بزرگ تحصیل کرد بطوری
که در تمام آنها به مقام استادی رسید .
آمرحوم کتب متعددی را تالیف کرده
است که مهمترین آنها عبارتند از :

- ۱- اشکال المیزان در منطق
 - ۲- بحر الالمان در عروض
 - ۳- دره نجفی در علوم ادبی
 - ۴- دبستان الفرصه شامل شرح حال و دیوان او
 - ۵- آثار عجم در شرح آثار تاریخی فارس
 - ۶- مقالات علمی و سیاسی آمرحوم
 - ۷- دریای کبیر شامل علوم و فنون مختلفه .
- فرصت الدوله از فضلا و شعراء و هنرمندان معروف قرن اخیر شیراز است
که جامع فضائل و کمالات بسیاری بوده است . آمرحوم شاعر و نویسنده ،
مؤلف و نقاش ماهری بوده و بآثار باستانی آشنایی کامل داشته و خواندن
خط میخی را نیکو میدانسته است .

(بقیه ذیل صفحه بعد)

* ... منبری از چوب ، بسیار بزرگ ، مشتمل بر چهارده پله ، مشهور به
* منبر مرتضی علی ، است قریب باین منبر مزارى است . گویند قبر « عتقه »

بقیه پاورقی صفحه قبل

آن مرحوم در سال ۱۳۳۹ ه . ق در شب رازوفات یافت و در جوار قبر حافظ
مدفون گردید .

مرحوم فرصت در زمان حیات خود ، قبری را ساخت و کتیبه و شعر زیر را
گفته با خط خود بر آن نوشت و پس از فوت ، تاریخ فوت او را نگاشتند
و مرحوم محمد حسین شعاع الملك شاعر شیرازی ماده تاریخ او را ساخت که
اکنون بر سنگ مزارش منقود است .
عین کتیبه سنگ قبرش چنین است :

قال رسول الله محمد المصطفى صلى الله عليه وآله : من كتب
بسم الله الرحمن الرحيم بحسن الخط وجبت له الجنة . (کتبه فی حیاتی ۱۳۳۸)
ای جلوه جمال تو برتر زهر سنا عجز از تنای ذات تو بهتر زهر تنا
اشراق نور وجهک فی کل وجهه من ضوئه قد اقتبس الشمس فی الضحی
مارا به پیشگاه حضور تو راه نیست الا بین همت خاصان و عنایا
سرخیل رهنمایان باشد شه رسل فرمانده قضا و قدر ختم انبیا
فخر الوری محمد المصطفى الذی بالوحی کان منطقه لاعن الهوی
عقل نغمت ، احمد مرسل که شرع او شد راست از حسام کج شاه اولیا
صهر نبی ، علی ولی ، رهبر امم زوج بتول ، باب وصول ، آیت هدی
یادرب باحمد و علی و اهل بیت او بگذر ز فرصت آنچه از او دیده ای خطا

الحکیم البارع صاحب التصانیف و المآثر النافع محمد نصیر العسینی
فرصت الدوله ولد شهر رده ضان سنه ۱۲۷۱ و قد رقد فی هذا الرقد دهم شهر صفر
سنه ۱۳۳۹

فرصت الدوله نصیر الدین ، فرصت رفت و شد از رفتنش علم و ادب کم
سال تاریخش شعاع الملك گفتا آه از فرصت ، نصیر الدین سیم

۱۳۳۹

در یکی از شبستانهای آن است و آنجا محل استجابت دعاست * (۱)

این مسجد همیشه مملو از جمعیت بوده که یا برای ادای فرایش و یا
استماع بیانات خطباء و مدرسین در آن گرد میآمده‌اند (۲)

در این مسجد روزهای آدینه * نماز جمعه * خوانده میشده و ضمن
خطبه آن ، بنام خلیفه یا پادشاه اشاره میشده که رسمیت داشته است
و جمعیت کثیری در آن شرکت میکردند و علماء مشهور و خطبای معروف
و عرفای بزرگ در آن محراب و منبر و مدرس داشته‌اند که بارشاد و هدایت
خلقی و عبادت خالق میپرداخته‌اند . (۳)

۱- اکنون اثری از این قبر وجود ندارد .

۲- شیخ بزرگوار سعدی شیرازی در ضمن غزلی فرموده است :
تانشوی ز «مسجد آدینه» بانك صبح یا از در سرای اتابك غریو کوس
لباز لب چو چشم خروس ابلهی بود برداشتن بگفته بیهوده خروس
۳- بطوری که در کتب تواریخ و رجال و تذکره‌ها ذکر شده عده کثیری از
بزرگان علماء و خطباء و محدثین و عرفای بزرگ در این مسجد امامت داشته
و یا تدریس مینموده و یا خطبه میخوانده و وعظ میکردند که معروفترین
آنها عبارتند از :

۱- مولانا جلال‌الدین بن سعدالدین معروف به « علامه دوانی »

۲- شاه نعمت‌الله ولی عارف مشهور

(آقای رضا نور که کتابی در شرح حال شاه نعمت‌الله ولی تألیف کرده
راجع به حضور حضرت شاه نعمت‌الله در مسجد جامع عتیق شیراز شرحی
نگاشته‌اند که عیناً نقل میشود :

«...دیگر از ارادتمندان آنحضرت (شاه نعمت‌الله) خاتم‌الاحکماء السید

شریف محقق (استاد خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی) است که در
سفری که از کرمان بشیراز نمودند در یکی از ایام جمعه که « امیرزاده

بقیه باورقی ذیل صفحه بعد

کوبند خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی نیز شبها (وباشبهای

بقیه باورقی صفحه قبل

امیر اسکندر ابن عمر شیخ ابن امیر تیمور « حاکم شیراز بود ، سید شریف بجامع شیراز در آمده که نماز بگزارد . خواجه حافظ سجاده سید شریف استاد خود را بردست راست سلطان گسترده جمعیت انبوهی منتظر تشریف فرمائی شاه نعمت‌الله بودند تا آنکه آنحضرت بمسجد رسیدند و خلائق سید شریف باستقبال آمدند و بقدری ازدحام شد که نزدیک بود سید شریف در زیر پای مردم پایمال شود که شاه نعمت‌الله دست او را گرفته بمحل نماز آورد و سید سجاده خود را از سمت راست سلطان برداشته و سمت چپ گسترده و سجاده شاه نعمت‌الله در سمت راست گسترده گردید .

۳- مولانا قوام‌الدین ابوالبقاء عبدالله بن محمود بن حسن شیرازی

۴- الشیخ ابو محمد الحسن بن حسین بن عمر بن خشنام الخیری

۵- الشیخ ناصرالدین عمر بن محمد بن عمر بن احمد الکبیرا

۶- الامیر سیف‌الدین یوسف بن عبدالله الواعظ که ۶۰ سال در آنجا

وعظ و تدریس کرده است

۷- شیخ ابراهیم خنجی که در آنجا معتکف بوده و شب و روز قرآن

و حدیث تدریس میکرد

۸- استاد بهاء‌الدین محمد بن علی الخوارزمی

۹- مولانا علاء‌الدین محمد بن سعدالدین محمود فارسی

۱۰- الشیخ سعدالدین ابوالیمن اسمعین المظفر

۱۱- الشیخ الحاج رکن‌الدین ابو محمد منصور ابن المظفر

۱۲- الشیخ ضیاء‌الدین ابوالوقت عبدالوهاب بن المظفر

۱۳- الحاج امام‌الدین ابوالمظفر حسن بن محمد ابن اسمعین المظفر

۱۴- الشیخ نجم‌الدین ابو الفتح محمود بن محمد ابن اسمعین المظفر

۱۵- الشیخ رکن‌الدین یحیی بن منصور بن المظفر

۱۶- الشیخ زین‌الدین مظفر بن روزبهان بن طاهر الریعی

بقیه ذیل صفحه بعد

جمعه) دور خدا یخانه (قسمت وسط مسجد که شرح آن بعداً ذکر خواهد شد) طواف میکرده و قرآن را با * چهارده روایت * از حفظ میخوانده است . (۱)

این مسجد در اوائل خیلی تمیز و محترم بوده و واردین بانهایت خضوع و خشوع در آن بعبادت میپرداخته اند .

بقیه باورقی از صفحه قبل

- ۱۷- الشیخ سعدالدین محمد بن المظفر بن روزبهان
- ۱۸- الشیخ افضل الدین ابو طالب بهبهانی بن یحیی بن محمد المعروف بابن الهراس
- ۱۹- الامام ظهیر الدین ابو عبدالله الخطیب
- ۲۰- الشیخ تاج الدین احمد بن محمود بن محمد النعمانی المعروف به «حر»
- ۲۱- الامیر شرف الدین ابراهیم بن صدر الدین محمد بن اسحاق بن علی بن عربشاه
- ۲۲- مولانا زین الدین ابو بکر تامب آبادی
- ۲۳- الامیر اصیل الدین عبدالله بن علی بن ابی المحاسن بن سعد بن مهدی العلوی المهدی
- ۲۴- مولانا سعدالدین احمد الفارسی
- ۲۵- الشیخ روزبهان المعروف به «فرید» که حدیث و تفسیر تدریس میکرده
- ۲۶- الشیخ محمد بن احمد الفسوی که ۳۰ سال تدریس میکرده
- ۲۷- الشیخ ابو زرعه عبدالوهاب بن محمد بن ایوب الاردیبلی
- ۲۸- شیخ ابوالمبارک عبدالعزیز بن محمد بن منصور بن ابراهیم
- ۲۹- الامام العالم الارشد ارشد الدین علی بن محمد النیریزی
- ۳۰- الامام شمس الدین صفی که امامت داشته است

۱- حافظ خود گفته است که :

عشقت رسد بفریاد گر خود بسان حافظ قرآن زبر بخوانی با چارده روایت
و همچنین :

حافظا در کنج فقر و غلوت شبهای تار تا بود در دده او درس قرآن نغم مخور

صحن مسجد از سنگهای مرمر مفروش بوده و هر شب بوسیله آب
جدولی که از آن میگذشته و حوضهای آنرا پر میکرد ، شسته میشده است.
واردین بمسجد ، در مدخل دالان ، کفشهای خود را بیرون آورده و
با آبی که در آنجا بوده ، پاهای خود را شسته و وضو گرفته و سپس طیب
و طاهر و با پای برهنه وارد صحن مسجد میشده اند .



سنگاب مسجد جامع

در سالهای اخیر دربکی از دالانهای آن سنگابی نصب بود که گویا
برای وضو گرفتن و شستن پا (بسنت اهل تسنن) بکار میرفته و در سال
۱۳۱۵ هجری شمسی که موزه پارس تأسیس گردید آنرا بدانجا انتقال

دادند و هم اکنون در جلو بلکان ورودی بیابان موزه نصب است (۱)
 « این بطوطه » سیاح معروف طنجه‌ای که در سال ۷۴۸ هجری
 قمری (در زمان سلطنت شاه شیخ ابواسحاق اینجو) بشیر از سفر کرده
 است ، در سفر نامه خود ، پس از تعریفهای بسیاریکه از شهر شیراز کرده ،
 میگوید :

« ... و مسجد بزرگ آن موسوم به « جامع عتیق » است و آن
 بزرگترین مسجدی است از حیث وسعت و بهترین آنهاست از حیث بنا
 و صحن وسیع آن با مرمر مفروش است و در هنگام گرما هر شب آنرا
 می‌شویند و هر شب بزرگان شهر در آن جمع میشوند و نماز مغرب و عشاء
 را میخوانند و در شمال آن دری است معروف به « درب حسن » که در
 بازار میوه فروشها باز میشود ... » و در جای دیگر گوید « که خوانندگان
 داخل آنجا میشدند و قرآنرا با صدای نیکو میخواندند و در معموره
 زمین خوانندگان خوش صوتی مانند شیراز نیست ! »

« معین الدین جنید شیرازی » مؤلف کتاب « شدالازار » راجع باین
 مسجد چنین نوشته است :

« ... شکمی نیست که بهترین جاها برای اجابت دعا ، در هر شهری ،

۱- قطر داخلی سنگاب مزبور قریب یک متر است و قسمت خارجی آن دوازده
 ضلعی است . در اطراف این سنگاب نقش و نگار بوده و دور تا دور آن
 اشعاری نوشته شده است ولی در اثر مرور زمان و تأثیر آب ، تشخیص نقوش
 و خواندن خطوط آن مبسر نگردید ، « مادام دولافوا » سیاح فرانسوی
 هم شرحی در باب این سنگاب نوشته که بعداً نقل میگردد .

مسجد جامع آن است - آنهم پهلوی منبر - این مسجد قدیمیترین بنائی است که از روی اخلاص نیت و از مال حلال (بدون شبهه) بنا شده است. « فاضی ناصرالدین یضاوی » در تاریخ خود موسوم به « نظام التواریخ » گوید که این از بنای « عمرو لیث » است و حکایت شده است که چون شروع بساختن مسجد کرد ، دستورداد تاجو بهای مستقیم و هموار را برای آن بیابند . بدو اطلاع دادند که زن صالحه ای در باغهای خود در « سروستان » چوبهای صاف و همواری دارد که آنها را از راه حلال بدست آورده است . پس مأمورینی را فرستاد تا آنها را خریداری کنند - زن دستورداد تاجو بها را بریده حمل نمایند و گفت بعداً در خصوص قیمت آنها مذاکره خواهم کرد .

چون آنها را حمل کردند و ستونها و جرزه ها و طبقات را با تمام رسانیدند گفت سقفها را هم بپوشانید تا بهای آنها را حساب کنیم . و چون تیرها را بکار بردند و سقفها را پوشانیدند گفت : من احتیاجی بپول آنها ندارم زیرا که آنها را در راه خدا داده ام . (۱)

پس قضیه را به « عمرو بن لیث » اطلاع دادند و او خشمگین گردید و گفت یا بهای آنها را بستان و یا آنها را بیرون خواهم آورد !

۱- باید دانست که چوبهایی که در ساختمان مسجد جمعه بکار رفته چوب سرو و کاج میباشد که هیچوقت موریا نه نمیزند ثانیاً تمام سقفهای مسجد را با چوب نپوشانیده اند بلکه چوبها را برای استحکام لای جرزه ها و دیوارها بکار برده اند - سقفهاییکه با آجر ساخته شده مربوط بزمان صفوی و بعد از آن میباشد .

پس آن زن نزد پادشاه رفت و گفت: ای امیر! برای چه این مسجد
 ساختی؟ گفت: برای خدای عزوجل و امید به ثواب و طلب رضای او.
 زن گفت: من هم امید رضای خدا و ثواب او دارم. شاه متأثر شد و او
 را وا گذاشت.

و گفته شده است که استاد بنا این مسجد از اولیاء الله بوده است، و
 چون خواست که محراب مسجد را بسازد، کسی با اعتراض کرد که



محراب قدیمی مسجد جمعه که در موزه پارس است

قبله محراب برابر کعبه نیست - پس بناه دست او را گرفت و از میان دو انگشت خود از دور ، مکّه و کعبه را بوی نشان داد که محاذی محراب بود !

چون اتابك (۱) پادشاه شیراز شد ، دستور داد تا دو حلقه از نقره ساخته و آنها را بمکه فرستاد و از شرفاء مکّه درخواست کرد که بجای آنها دو حلقه (از حلقه های درهای مکّه) را برای او بفرستند و آنها را روی دولنگه دری از مسجد آویختند که بهمین اسم مشهور است (۲) و شکی نیست که آندو حلقه برکات دستهای بسیاری از اولیاء خدا را

۱- چون اسم اتابك ذکر نشده ، معلوم نیست که کدام يك از اتابكان فارس بوده است ولی احتمال داده میشود که یا «سعد بن زنگی» و یا «ابو بکر بن سعد» بوده است اما بنظر نگارنده بدلائلی که ذکر آنها موجب اطمینان است ، مقصود از این اتابك «ابو بکر بن سعد بن زنگی» معاصر و مدوح سعدی است .
 ۲- این دو حلقه تا چندی پیش بر در کهنه‌ای در دالان شمالی مسجد (جنب مسجد طبالیان) نصب و آویزان بود و بعداً معلوم نشد که بکجارت . در حال حاضر دو حلقه با زیر آنها در موزه پارس شیراز وجود دارد که بنام حلقه در مسجد جامع حنبلق ثبت دفتر شده است .

این دو حلقه بر روی صفحه‌ای از برنز نصب است که طول آن ۲۶٫۵ و عرضش ۱۰ سانتیمتر است . بر بالای آندو این بیت معروف نظامی گنجوی نقر شده است :

(هر مصرعی روی يك صفحه‌ای)

هست کلید در گنج حکیم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و در پایین آنها این بیت حافظ شیرازی نوشته شده است :

(هر مصرعی روی یکی از صفحه‌ها)

رضا بداده بدو و زجین گره بگشای که بر من وتو در اختیار نکشاد است
 بقیه ذیل صفحه بعد

درک کرده است . *

« حاج میرزا حسن » مؤلف فارسنامه ناصری (۱) راجع بمسجد
آدینه شیراز چنین مرقوم داشته است :

بقیه پورقی صفحه قبل

ولی مسام است که این دو حلقه ، حلقه انابکی نیست زیرا که در آن زمان هنوز حافظ بوجود نیامده بوده است . احتمال داده میشود که این حلقه ، هنگام تعمیراتی که در زمان سلاطین صفویه شده است بر یکی از درهای مسجد نصب کرده باشند .

۱ - حاج میرزا حسن شیرازی معروف بقسامی فرزند میرزا حسن بن میرزا محمد مجدالدین ابن سید علی صدرالدین معروف بسید علی خان مؤلف کتاب مشهور فارسنامه ناصری است که مردی محقق و دانشمند و فاضل بوده است . فارسنامه ناصری که در دو جلد تنظیم شده یکی از کتب مهم و مفصلی است که در سال ۱۳۰۴ ه . ق در زمان سلطنت ناصرالدینشاه راجع بتاریخ و جغرافیا و رجال فارس و شیراز تألیف و در سال ۱۳۱۲ ه . ق چاپ سنگی شده و اخیرا نیز آنرا با چاپ است تجدید چاپ کرده اند و مورد توجه علماء و مورخین میباشد .

آن مرحوم در سال ۱۲۳۷ در فسا متولد و در سال ۱۳۱۶ در شیراز وفات یافت و در مدرسه منصوریه شیراز مدفون گردید . عین کتیبه سنگ مزار او بشرح زیر است :

کل من علیها فان و یبقی وجه ربك ذو الجلال والا کرام .
هذه روضة من ریاض الجنة آرامگاه حضرت سید المحققین و سید المدققین الحاج میرزا حسن مؤلف حواشی «قرآن حسن» و مصنف «فارسنامه ناصری» ابن میرزا حسن بن میرزا محمد مجدالدین بن صدرالدین بن سید علی خان شارح صحیفه سجاده بن زید بن علی بن زین العابدین بن ابی عبدالله الحسین سید الشهداء بن امیر المؤمنین (ع)

آن مرحوم در سال ۱۲۳۷ قمری در فسا قدم بمرصه گیتی نهاد و در یکشنبه
بقیه ذیل صفحه بعد

«... ناصرالدین بیضاری در نظام التواریخ نوشته است که بانی مسجد جامع عتیق شیراز عمرو بن لیث صفار اول ملوک (۱) صفاریه است. در سال دویست و هشتاد و یک هجری (قمری) بنای مسجد جامع عتیق شیراز

بقیه باورقی صفحه قبل

۱۲ رجب ۱۳۱۶ قمری در شیراز پدار باقی رحلت فرمود و در جوانی بزرگوارش که بانی و واقف این مدرسه منصوریه (است) مدفون گشت.

چون نوبت تولیت بآمرحوم رسید مدرسه ویران و موقوفاتش بتصرف غاصبین بود - وی به مال و رجال خود بنای مدرسه را تجدید و موقوفات معلی را مسترد ساخت.

با اشاره حضرت اشرف آقای میرزا علی اصغر خان حکمت وزیر معارف و اوقاف صبیبه زاده آمرحوم (†) در زمان فرزندش آقای میرزا سیداحمد مهذب این لوح نقش و حجاری شد.

۱۳۵۴ قمری مطابق ۱۳۱۴ شمسی

† جناب آقای حکمت استاد گرانقدر دانشگاه تهران از فنحول دانشمندان و فضلا و شعراء معاصر کشور و صاحب تألیفات بسیار است و شهرت جهانی دارد. معظم له چندین مرتبه بوزارت و سفارت رسیده و مخصوصاً دوره وزارت فرهنگ ایشان طولانی و خدمات بسیار گرانبهایی بفرهنگ کشور کرده اند که یکی از آنها تأسیس دانشگاه تهران و ساختن آرامگاه حافظ و سعدی میباشد. برای شرح حال مفصل معظم له رجوع شود به :

- ۱ - تاریخ ادبیات ادوارد برون جلد چهارم نوشته مرحوم رشید یاسمی.
- ۲ - دانشمندان و سخنرانان فارس جلد دوم تألیف دانشمند محترم آقای آدمیت
- ۳ - تذکره شعراء معاصر ایران جلد دوم تألیف آقای سید عبدالحمید خلخالی
- ۴ - شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور تألیف نگارنده.
- ۵ - شیراز دو گذشته و حال تألیف آقای امداد.
- ۶ - شیراز امروز تألیف آقای مدرس صادقی.

۱- اول پادشاه صفاری « یعقوب بن لیث » است و پس از او برادرش « عمرو بن لیث » بسطانت رسید. بنابراین وی دومین ملوک صفاریه است.

را گذاشته . بعرض او رسانیدند که چندین چوب کلفت سخت هموار که سزاوار عمارت باشد در قریه « سروستان » در باغ پیرزالی زاهد است . پس بفرمود تا قیمت چوبها را داده قطع کرده بیاورند . پیرزال بعد از اطلاع بر واقعه بی مضایقه چوبها را بداد و اخذ قیمت را بوقت دیگر انداخت و خود بشیراز آمد و بکار گزاران سلطان گفت عمله و بناه را بیکار نگذارید و این چوبها را در عمارت مسجد بکار برید و هر چه را بقیمت دهید مضایقه نکنم . چون چوبها را بکار بردند ، پیرزال از گرفتن قیمت انکار نموده گفت : میخوام در مسجد شریک باشم !
پادشاه در غضب شده ، پیرزال بعرض رسانید : چرا پادشاه این مسجد را ساخت ؟ حضرت سلطان فرمود : برای خدایتعالی .

پیرزال گفت : از من نیز چنین باشد !

پادشاه پیرزال را ستایش فرمود .

در شیراز ، از قدیم تا کنون مشهور است که در میانه محراب و منبر مسجد جمعه دعا مستجاب میشود و هم مشهور است که این مسجد هرگز از اولیاء (خدا) خالی نباشد .

مرحوم فرصت الدوله در کتاب « آثار عجم » نوشته است که :

« ... مسجد جامع در محله بازار مرغ و آنرا « جامع عنیق » خوانند .

بنای آن از « عمرو لیث » است که از جمله سفاریان بوده و معالک فارس بحیطه تصرفش . در سنه دو بیست و هشتاد و یک هجری بوده . طول فضای آن قریب یکصد قدم و عرضش بمقدار شصت قدم (۱) مشتمل بر شبستانهای

۱ - طول فعلی صحن مسجد ۶۷ متر و عرضش ۵۱ متر میباشد (بقیه ذیل صفحه بعد)

متعدد و عمارات فوقانیه .

« شاردن » سیاح معروف فرانسوی که در سال ۱۶۷۴ میلادی (۱۰۸۵ هجری قمری) سفری بشیراز کرده است در خصوص مسجد جامع عتیق شیراز چنین نوشته است :

« ... مسجد جمعه (جامع) که مسجد بزرگ شهر بشمار میرود بزرگترین مسجد قاره آسیا بوده است که از لحاظ بزرگی دو برابر مسجد جامع اصفهان میباشد و مجالتر از آن است . قسمتی از آن از سنگهای بزرگ ساخته شده و قسمتی دیگر از سنگهای مرمر تشکیل یافته است . حیاط آن که شکل مربع مستطیل دارد از هشت حوض که برای وضو گرفتن ساخته شده زینت مینماید (۱) بین این حوضها يك

بقیه پاورقی صفحه قبل

وضع کنونی مسجد بدینقرار است :

سمت شمال : در وسط طاق بزرگ کاشی کاری است و طرفین آن هر يك ۶ دهنه است (مجموعاً دوازده دهنه) . در سمت راست « شبستان بزرگی است .

سمت مشرق : در وسط طاق بزرگی است و طرفین آن ۹ دهنه طاق است (یکطرف ۵ و طرف دیگر ۴ دهنه)

سمت جنوب : در وسط طاق بزرگی است که به شبستان بزرگ قدیمی منتهی میشود و طرفین آن هر يك شش دهنه است (مجموعاً ۱۲ دهنه) در طرفین این طاق دو شبستان بزرگ است یکی قدیمی و دیگری شبستان بزرگ جدیدالاحداث که شرح آن بیاید .

سمت مغرب : دو مغرب طاق بزرگی نیست و فقط ده دهنه طاق دارد .

۱- اکنون فقط سه حوض دارد .

محراب مربع مانند مشبکی است که دارای در آهنی میباشد (۱) و در آن محراب يك جلد قرآن كه بخط امام موسی (۲) یکی از دوازده جانشین اولی پیغمبر (ص) آنها (۳) باضافه اسلحه هاییکه در هنگام جنگ مورد استفاده این امام بوده، قرار گرفته است.

این مسجد دارای عده زیادی اطاق است که وصف آنها بزبان و قلم در نمی آید.

مسجد جمعه دارای چهار در ورودی است که در اصلی آن ازسنگ مرمر روسازی شده ولی باتمام این اوصاف مسجد مورد بحث فاقد تعمیرات ضروری و لازم در تمام قسمت‌هایش میباشد.

« مادام دیولافوا » که در سال ۱۸۸۱ میلادی (۱۲۹۸ هـ . ق)

بایران سفر کرده ضمن سفرنامه خود در مورد مسجد جمعه شیراز چنین نوشته است :

« ... مهمترین مسجد قدیمی شیراز مسجدی است که در سال ۸۷۵ (میلادی) در دوران اقتدار « عمرو لیث صفاری » ساخته شده است. این مسجد دیدنی و قابل اهمیت است. عمرو لیث بواسطه عدل و انصافی که داشته و جنگ‌هایی که با خلفاء بغداد میکرده مشهور شده است ... باری این مسجد قدیمی با وجود خرابی طاقها و شکست دیوارها که

۱- مقصود «دارالمصنف» یا «خدای خانه» است که ذکر آن بیاید.

۲- مقصود امام موسی کاظم (ع) میباشد.

۳- غرض مسلمانان و شیعیان است.

بواسطه زلزله در آن راه بافته هنوز هم منظره باشکوه خود را حفظ کرده است .

در وسط حیاط آن بجای حوض معمولی ، بنای کوچک مربعی وجود دارد که باسنگ ساخته شده است و در هر يك از زوایا بیرج کم ارتفاعی تکیه دارد . راهنمایان میگویند که این بنا ، نسخه ثانی خانه کعبه است . این بنا در شیراز بنام « خداخانه » معروف است . بام آن خراب



خداخانه و حوض جلو آن

شده و منظره حزن آوری دارد. کتیبه‌ای از کاشی مینائی فیروزه‌ای در بالای برجها در سنک دیده میشود که ساختمان خداخانه در سال ۱۴۵۰ میلادی پایان رسیده است (۱) البته این تاریخ مربوط به همین ساختمان است و به بنای مسجد مربوط نیست.

در حین گردش در اطراف خداخانه، سنک سیاهی برخورداریم که در کنار این ساختمان، در میان مصالح خراب، افتاده بود و آنرا «دیگ» میگفتند. (۲)

بنظر من این نام شایسته این سنک نیست و بایستی آنرا بمنزله «حجر الاسود» کعبه فرض کرد و عجب تر آنکه جنس آن از سنک ساق است و از حیث شکل و تزئین مانند سه ستونهای قصور هخامنشی پرسیلیس (۳) است.

هر گاه سیاحان اروپائی دیگری هم قبل از ما سیاحت مسجد جمعه رفته بودند این روایت که شهر شیراز پس از خرابی استخر ایجاد شده است باطل میشد زیرا بنظر من این سه ستون که اهالی شیراز نسل اندر

۱- باید دانست که کتیبه خداخانه که شرح آن مفصلاً بیاید از کاشی نیست بلکه ابتدا روی سنک سفید نوشته و اطراف آنرا نقر کرده‌اند بطوری که نوشته سنگی برجسته مانده و سپس جای خالی شده را با کاشیهای معرق پر کرده‌اند و این نوع کتیبه در تمام ایران بی نظیر است.

۲- این سنک سیاه که عوام آنرا «دیگ امام حسن» مینامیدند هنوز باقی است و فعلاً آنرا در جلو خداخانه بعنوان پله قرار داده‌اند و موجود است و البته نه دیگ است و نه بامام حسن مربوط میباشد!

۳- مقصود تخت جمشید است!

نسل احترام آنرا نگهداشته اند ممکن نیست که مخفیانه از پرسپلیس
باینجا آمده باشد. بعلاوه چنین انتقالی کاملاً مخالف افکار و عادات
اعراب است. بنابراین میتوان یقین حاصل کرد که در زمان « داریوش
و خشایارشا » در محل شیراز کنونی شهر آبادی وجود داشته که با بنای
سنکی زینت یافته بوده و این سنک هم متعلق بآن بنا بوده است.

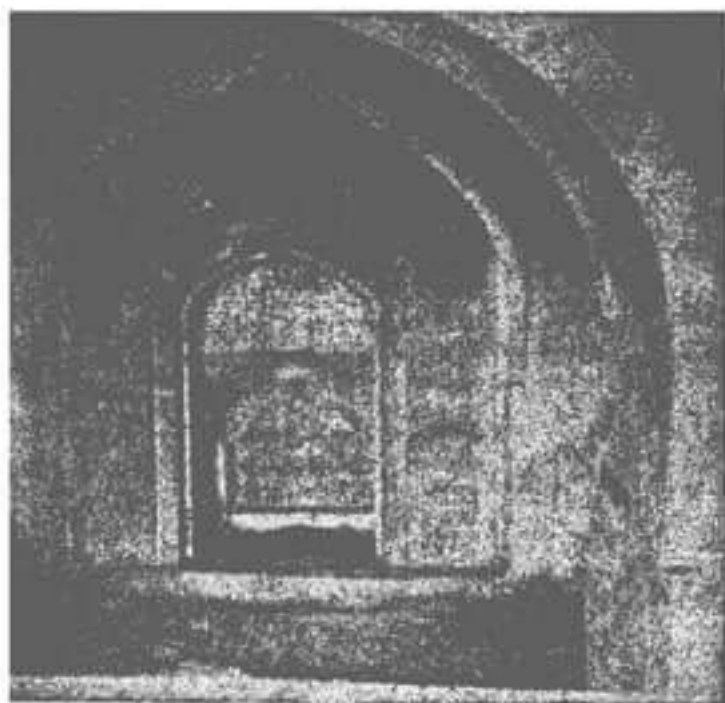
شاید هم موقعیکه فاتحین اسلام، فارس را فتح کردند اثری از این
شهر قدیمی بر جای نمانده بوده است و در هر حال نمیتوان تصور کرد
که شاهان هخامنشی قصور سنکی خود را دروازه شهر آباد و پرجمعیتی
بنا کرده باشند و البته در اینجا شهری بوده و نمیتوان قبول کرد در مملکتی
که در آن دشتهای حاصلخیز و پر آب کمیاب بوده، دره شیراز در
دوران ترقی ایران باستان، متروک مانده باشد. آنهم در زمانیکه
شاهان بزرگ ایران اقامتگاه خود را در وطن اصلی بر سایر جاها
ترجیح میدادند.

تنها ابن سنک، این فکر را در خاطر من ایجاد نکرد بلکه بنای دیگری
هم که در حوالی شهر شیراز با اسلوب کاخهای پرسپلیس ساخته شده (۱)
و قطعه‌هایی که در مجاورت این بنا بوده و پناه‌های عمیق تنگه «الله اکبر» (۲)

۱- مقصود خرابه «قصر ابو نصر» است که در يك فرسنگی مشرق شیراز
واقع است. برای دانستن اطلاعات زیادتری رجوع شود بکتاب «آثار عجم»
۲- مقصود چاه هیقی است که در کوه مشرف ببنک سعدی واقع است
و هوام آنرا «چاه قلعه بندر» نامند و گویند اصل آن «پهن دژ - فهندل»
بوده است و نظیر چاهی است که در نخت جشید میباشد. برای اطلاعات
زیادتر رجوع شود بکتاب «شده الا زار» ذیل صفحات ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶.

همه این فرض را تأیید میکند که مسلماً در زمان قدیم آبادیها و شهرهای بزرگی در این ناحیه وجود داشته است (۱)

پس از مطالعه بنای «خداخانه» براهنمایی ملامی که همراه ما بود بطرف قسمت قدیمی مسجد رفتیم - در اینجا تالار طویل و بزرگی است و در انتهای آن يك محراب سنگی وجود دارد که چندان ظرافت و هنرمندی در آن بکار نرفته است ولی در بالای این محراب سقفی است که بسیار جالب توجه است. این سقف با عاج و چوب سدر با منتهیای



محراب مسجد جمعه

۱- این نظریه «مادامدیولافوا» کاملاً صائب و صحیح بوده است چه اخیراً ثابت شده است که برخلاف نوشته‌های مورخین بعد از اسلام، شهر شیراز بقیه ذیل صفحه بعد

هنرمندی و ظرافت خاتمکاری شده و خوب محفوظ مانده و بسی عالیتر از خاتم سازی امروزی است که در بازار شیراز معمول است . (۱)

ملای راهنمای ما مرد بسیار خوبی بود - همه جای مسجد ، حتی زوایای تاریک را هم بما نشان داد . در نزدیکی درب بزرگ خارجی ، اطاق کوچک تاریکی را بمن نشان داد که در آن سنگابی از سنگ سحاق وجود داشت . این سنگاب بشکل منشور بسیار قشنگی تراشیده شده و دارای دوازده سطح است و هر سطحی از سطح مجاور خود بوسیله ستون کوچکی جدا میشود و هر ستون هم از روی قاعده ای که بشکل گلدان بسیار ظریفی است قرار دارد . (۲)

خلاصه مسجد جامع شیراز با وجود خرابیها و آسیبهاییکه دیده و

بقیه باورقی صفحه قبل

بعد از اسلام ایجاد نشده بلکه در زمان هخامنشیان وجود داشته است زیرا چند سال پیش ضمن خاکبرداریهای تخت جمشید مقداری الواح گلی که بر روی آنها کتیبه های بخط میخی نگاشته شده بود ، بدست آمد و پس از اینکه علمای فن امریکائی آنها را خواندند ، معلوم شد که اسناد خرجهایی هستند که در زمان سلاطین هخامنشی تهیه شده است و متن یکی از آنها حاکی بود که در سال نوزدهم سلطنت «خشارشا» مثنی عمله «در شیراز» (بهارت خشت مزبور - شی رازی ایش) مشغول کار بوده اند و اجرت یکماهه آنها به «مگایروس» که سرپرست آنها بوده پرداخته شده است (برای اطلاعات زیادتری مراجعه شود بکتاب «شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور» تألیف نگارنده این رساله)

- ۱- قسمتی از این سقف هنوز باقی است و دره و زه پارس نگاه داشته میشود
- ۲- شرح این سنگاب و وضع کنونی آن پیش از این مذکور گردید .

از زیبایی آن کاسته شده است ، بعقیده من یکی از ابنیه بسیار جالب توجه ایران است .

وجود بنائی شبیه به « کعبه » که در مرکز حیاط واقع شده و ته ستون هخامنشی که در کنار دیوار آن افتاده و محراب و سقف قشنگ خاتم کاری و سنگاب ظریف که از سنگ سماق ساخته شده و شاید آنرا از يك بنای قدیمی باینجا آورده باشند ، همه من حیث المجموع ، دقت علمای باستان شناس را بخود جلب میکنند .

چنین بنظر میآید که تمام مساجد شیراز را از روی نقشه مسجد جمعه ساخته باشند . مخصوصاً مسجد نو که در سال ۱۳۰۰ میلادی بنا شده کاملاً شبیه بآن است و هنوز هم بنام مسجد نو (۱) معروف است .



۲- چون این مسجد (که به مسجد سعد انا بک هم معروف است) بعد از مسجد «جامع عتیق» ساخته شده از اینجهت به «مسجد جامع نو» و یا «مسجد نو» اشتهاار یافته است .

تعمیرات مسجد جمعه در عرض هزار سال اخیر

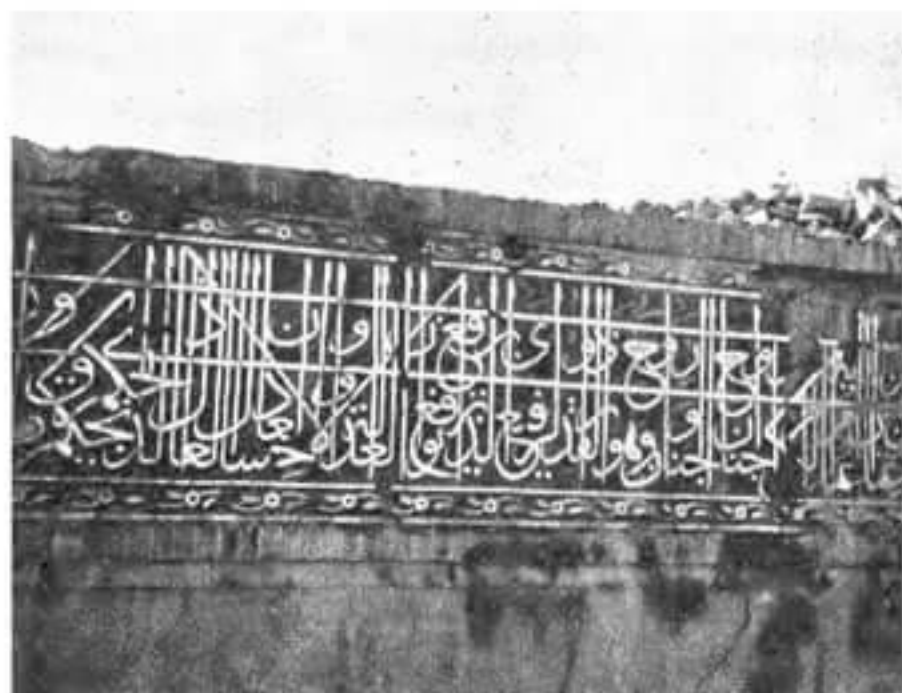
مسجد جمعه در اثر مرور زمان رو بویرانی نهاده و مخصوصاً زلزله‌هایی که در شیراز حادث شده، بر خرابی آن افزوده است و لذا در ادوار مختلفه، از طرف امراء و سلاطین چندی مرمت و تعمیر شده است. مرحوم فرصت‌الدوله در آثار عجم نوشته است که:

«... چندین مرتبه مرمت شده - مرتبه ای در زمان اتابکان - وقتی در زمان «سلطان ابراهیم میرزا ابن شاهرخ قورکانی» - همچنین در زمان صفویه ...»

در مدخل تالار شبستان جنوبی که کاشی کاری عهد صفویه است کتیبه‌ایست که روی آن سنه تسعمائه و سبعین و ثلث (۹۷۳) دیده میشود و می‌رساند که در آن تاریخ (زمان سلطنت شاه طهماسب اول) در آن تعمیراتی شده است. بالای سردر ورودی شبستان بزرگ جنوبی کتیبه‌ای است بسیار عالی که بخط ثلث پیچیده خیلی زیبا نگاشته شده است ولی متأسفانه قسمتهای بسیاری از آن ریخته و بقیه هم ضمن تعمیرات اخیر برداشته‌اند.

این کتیبه عالی در زمان سلطنت شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ق.)

که تعمیراتی در این مسجد صورت گرفته ، نگاشته شده است .



کتابه خط نثک بالای سردر جنوبی که در نوع خود بی نظیر است

در زیر همین طاق ، کتابه ایست بسیار عالی که نظیر آن در حسن خط یافت نمیشود . این خط که یادگار خوشنویسان زبردست قدیم است تکرار عبارت (طرح هر اساس وسیع کرباس که مهندس تیز حدس صحیح القیاس که ذیقطا) میباشد که چندین مرتبه پشت سرهم تکرار شده است .

آقای واجد معتقد اند که این عبارت از کتابه ای که در اینجا بوده ، باقیمانده و بقیه آن ریخته و هنگام تعمیرات اوایل قرن اخیر (و شاید در زمان صفویه) چون دیده اند که خیلی عالی و نفیس است از روی آن

کرده برداشته و در اینجا آنرا تکرار کرده‌اند.

در زمان سلطنت شاه عباس کبیر (۹۹۶-۱۰۳۸ ه. ق.) تعمیرات مفصلی در این مسجد صورت گرفته است که منصفی آن «امام قلیخان» فرمانروای فارس و بنادر بوده است.

بالای دری که از کریاس شبستان بزرگ جنوبی گذشته بسمت در غربی می‌رود، کتیبه‌ایست که باخط بسیار عالی و زیبایی نثرتنگاشته شده و متن آن چنین است:

«قال الله سبحانه تبارك و تعالی - ان المتقین فی جنات و عیون -
ادخلواها بسلام آمین . و نزعنا ما فی صدورهم من غل اخوانا علی
سررمتقا بلین . صدق الله العلی العظم . عبده صیر فی - ۲۶ ری . (۱)
مسلم است که این کتیبه از کتیبه‌های دوره صفوی است و مقصود از
۲۶۰ سنه ۱۰۲۶ ه. می‌باشد که دو رقم اول آن ریخته است (و اکنون
جای ریختگی آن باقی است) زیرا که در کتیبه سردر غربی (نزدیک و در
امتداد همین کتیبه) نیز که ذیلا نقل میشود، سنه ۱۰۲۷ ه. نوشته شده
و پیداست که ایندو کتیبه باهم نوشته شده، منتهی بین تعمیرات و کاشی
کارهای کریاس و اطراف آن تا سردر غربی یکسالی طول کشیده است.
سردر غربی، یکی از سردر های غربی مسجد جامع که از نظر
معماری اهمیت زیادی دارد سردری است که باصطلاح معماری
«یزدی بندی» است و دارای مقرنس و معرق کاری است و این طرز
ساختمان سردر های این سردر های مسجد، جامع منحصر بفرد است و چند

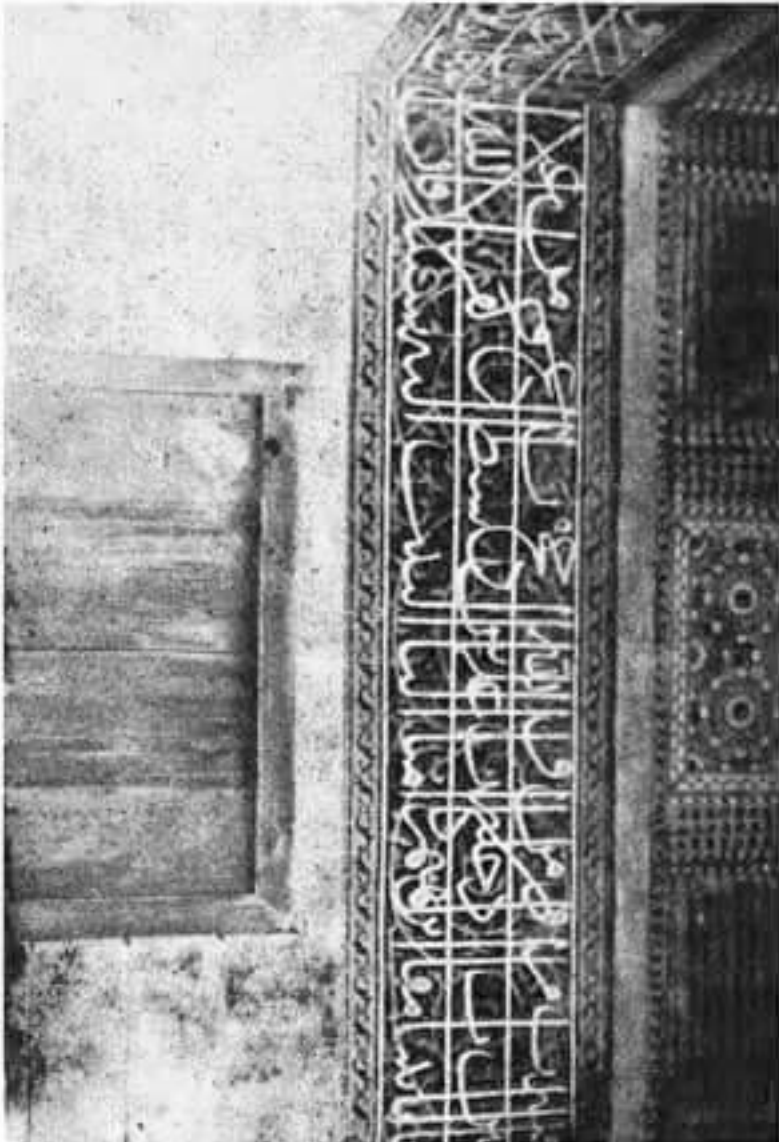
۱- این کتیبه اکنون در شبستان بزرگ جدید الاحداث قرار گرفته است

سال پیش بوسیله اداره باستانشناسی باهتمام آقای جلال الدین پیرزاده تعمیر و مرمت شده و کتیبه اطراف سردر مزبور تکمیل گردیده است و اکنون در شبستان بزرگ جدیدالاحداث باز میشود .
متن کتیبه آن که بر روی کاشی معرق بهخط نثک عالی نوشته شده چنین است :



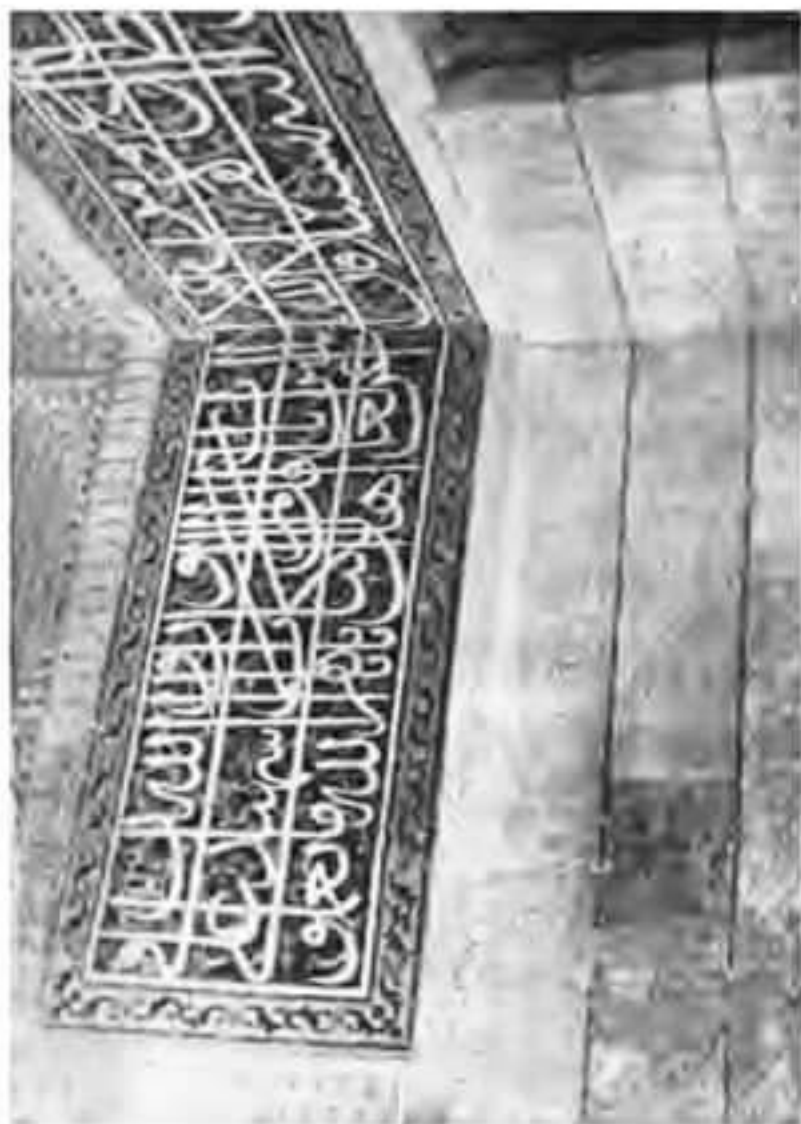
عین کتیبه مهم سردر غری - قسمت اول

«قال الله سبحانه تبارك وتعالى . ان اول بيت وضع للناس للذي
 ببكة مباركاً و هدى للعالمين فيه آيات بينات مقام ابراهيم و من
 دخله كان آمناً و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلاً
 و من كفر فان الله غنى على العالمين . قل يا اهل الكتاب لم تكفرون
 بآيات الله و الله شهيد على ما تعملون ١٠٣٧»



عين كتيبه مهم سرور ظري - قسمت وسط

سر در شمالی - مهمترین سر در مسجد جامع همین سر در است که امروزه آنرا «در دوازده امام» نامند. (۱)



همین کتیبه مهم سر در غربی - قسمت آخر

۱- ضمن همین تعمیرات ، اسامی «دوازده امام» را در چهار کتیبه در چهره‌های طرفین این سر در نوشته اند و لذا از آن تاریخ آنرا «در دوازده امام» نامیده اند چنانکه ذکر آن گذشت .

این سردر مقرنس کاری زیبایی باکاشی دارد و بالای در ورودی آن کتیبه‌ایست بسیار خوش خط و زیبا که بخط «علی جوهری» کاتب



سردر شمالی مسجد جمعه
معروف به :
(درب دوازده امام)

و خوشنویس آن دوره نوشته شده و خوشبختانه همه سالم مانده است و عین آن کتیبه چنین است :

« الحمد لله الذى
اسس اساس الدين
المبين بشريعة محمد
سيد الاولين والآخرين
و الصلوة والسلام
على من هو مخاطب
بامير الملك والامة
واله المعصومين .
و اما بعد وفق
بتجدد يذهب البيت العتيق
في زمن خلافة خليفة الله

فى الارضين قهرمان الماء والطين السلطان بن السلطان بن السلطان
ابوالمظفر شاه عباس الصفوى العثمانى الحسينى بهادر خان
خلد الله تعالى ملكه و سلطانه و افاض بره و احسانه على العالمين .
الوالى من قبله الخان العادل امير الامراء فى الزمان ناشر المعدلة
والبر والاحسان امامقلى خان الواثق بعناية رحمة ربه المبين محمد
رضا المخاطب بامير الملك الشيرازى كتبه غياث الدين على الجوهرى
فى سنة ١٠٣١هـ

پیداست که تعمیرات این سردر دنباله تعمیرات مفصلی است که در زمان شاه عباس صورت گرفته و معلوم میشود که این تعمیرات از سال ۱۰۲۶ تا سال ۱۰۳۱ طول کشیده است .

در جزر غربی سردر بزرگ شبستان جنوبی ، هم اکنون سنگی سه پارچه است که بالای آن بخط درشت نوشته شده است :

((ابوالمظفر عباس بهادر خان))

و در زیر آن کتیبه ایست که متأسفانه نصف آن از بین رفته است و چنین بنظر میرسد که کتیبه مزبور فرمانی است که از طرف شاه عباس کبیر برای آسایش تجار صادر شده و متن آن ، برای اطلاع عموم ، در مسجد جامع عتیق بر سنگی نگاشته و نصب شده است :

« تذکره تیمناً - الحمد لو اهب العطیات . مالک البریات که ذات ملکی بر کات اشرف انفس نواب کامبخش کامیاب در برج شاهی - در درج پادشاهی خلف خاندان نبوت و ولایت خلیفه دودمان صفوت و هدایت ذوالخلافة الابدیة والسلطنة السرمدیة الاخلاق المحمدیة الموبد من عند الله الملك المنان « ابوالمظفر عباس بهادر خان ، اللهم ابد و خلد ظلال خلافته و ملکته و معدناته الی انقراض الزمان (که) واسطه خیر و احسان و باعث استقامت عالم و عالمان است بنا بر رفاهیت حال صواحب تجار که کسب حلال تجارت اختیار نموده سیاران براری و بحار و متجملان شدائد اسفار در لیل و نهار و متوسطان معموری بلاد و امصار اند فرمان قضا چربان نافذ فرموده اند ... »

در سال یکهزار و نود و دو هجری قمری ، در زمان سلطنت شاه

سلیمان صفوی (۱۰۷۸-۱۱۹۶ هـ. ق) نیز یکبار دیگر مسجد مزبور
تعمیر و مرمت شده است و « حاج میرزا حسن » در کتاب « فارسنامه
ناصری » در اینخصوص چنین نوشته است :

« ... در سال هزار و نود و دو ، نواب « امام وردی بیگ خلف بیگ »
والی مملکت فارس این مسجد را تعمیری لایق فرمود .
برای تاریخ این تعمیر در پهلوی چپ منبر چهل پله (۲) (۱) چوبی
آن مسجد ، بر سنگی ابیات زیر را نوشته اند :

فروغ اختر همت « امام وردی بیگ »
که اقباس کند مهر از ضمیرش نور
بفهم و رأی و فراست در انجمن ، قانون
بعقل و دانش و فرهنگ در جهان ، دستور
همانکه بسته بمعموری جهان همت
بهر اراده که باشد ، شود زحق منصور
زفیش ، ساخته تا مسجد عتیق آباد
شده است ورد ملک « ان سعیکم مشکور »
زهی بنا که درو میرسد زغیب بگوش
مدام زمزمه « ان ربنا اغفور »
دل زغنیچه نهان خواست سال تعمیرش
چو گل بخنده خرد گفت با اشاط و سرور

۱- چنانکه نوشته شد این منبر فقط چهارده پله دارد .

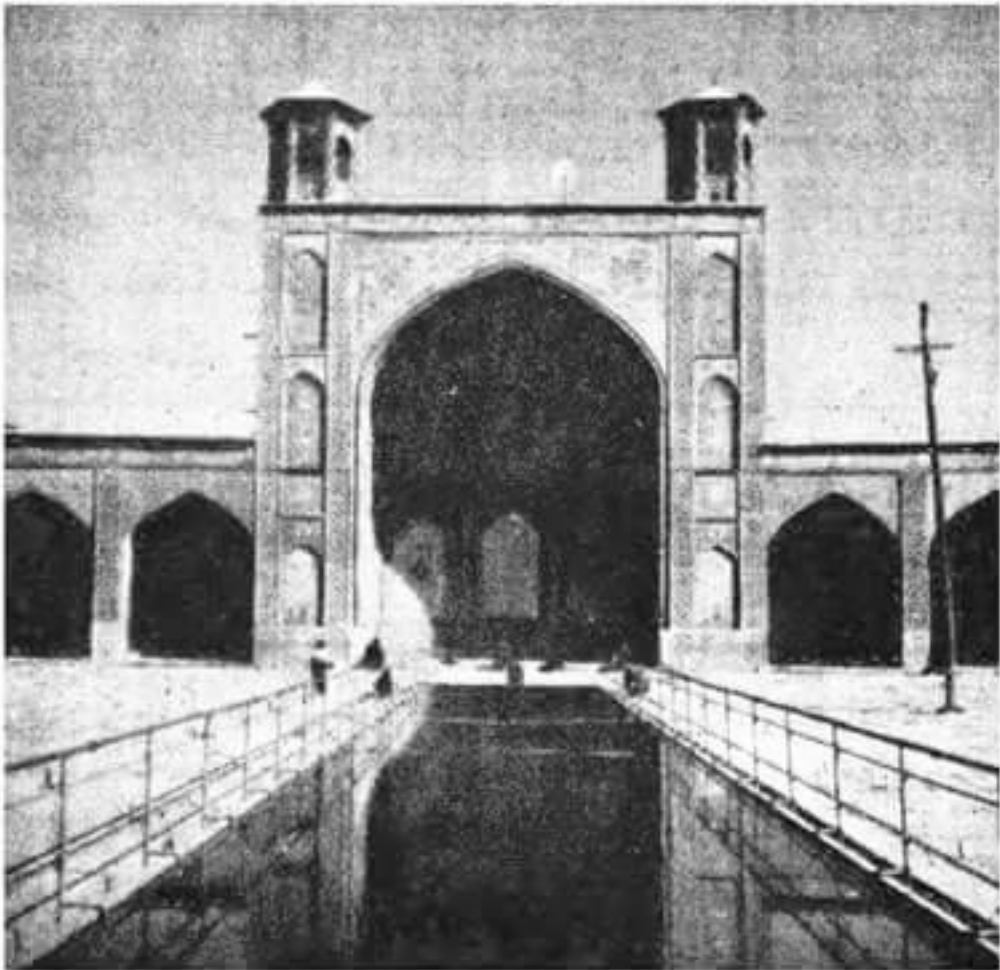
بگو بیاری توفیق ذوالجلال و دود
 «اساس کعبه دین شد بسی او معصور» (۱)
 (۱۰۹۲)

کریمخان زند و مسجد جمعه . بطوریکه مشهور است وقتی که
 « کریمخان - وکیل الرعایا » (۲) در شیراز سلطنت داشت و مشغول
 تعمیرات بقاع متبرکه و آثار تاریخی بود ، بفکر تعمیر مسجد جمعه نیز افتاد
 و مشغول مرمت آن گردید اما دید که مخارج برداشتن نخاله‌ها و دوباره
 ساختن آن خیلی بیش از ساختن يك مسجد علیحده است از اینرو از
 تعمیر مسجد جامع عتیق منصرف شد و سپس بساختن مسجد وکیل
 پرداخت و مسجد جمعه بهمان حال خرابی و ویرانی باقیماند .

۱ - این کتیبه هم اکنون باقی است .
 ۲ - کریمخان زند که او را « وکیل الرعایا » هم گویند از پادشاهان
 شریف و نیک نفس و خوش نیت ایران است که از سال ۱۱۷۱ ه . ق در قسمت
 مهمی از ایران سلطنت کرده است .
 آن مرحوم عشق و افری بنامین رفاہ و آسایش مردم رنخصوصاً عمارت و
 آبادانی داشته و لذا در عرض مدت ۲۲ سالی که در شیراز سلطنت داشته ،
 ابنیه و عمارات بسیار محکم و زیبایی ساخته که بنام « ابنیه وکیل »
 معروف اند و آنهاست که تا این تاریخ بخوبی باقیمانده عبارتند از :

- ۱ - مسجد جامع وکیل
 - ۲ - بازار وکیل
 - ۳ - عمارت هفت تنان
 - ۴ - عمارت چهل تنان
 - ۵ - حافظیه
 - ۶ - حمام و آب انبار وکیل
- بقیه در صفحه بعد

- بقیه پاورقی صفحه قبل
- ۷ - همارت کلاه فرنگی که اکنون موزه پارس است
- ۸ - ارگ که فعلا زندان است
- ۹ - همارت بست و تلگراف قدیم
- ۱۰ - باغ نظر (باغ موزه)



طاق شمالی مسجد جامع و کیل که از لحاظ کاشی کاری خیلی مهم است

بقیه پاورقی در صفحه بعد

دنباله باورقی صفحه قبل
 کریمخان در سال ۱۱۹۳ زندقی را بدرود گفت و این شعر را برای ماده
 تاریخ او ساخته اند :
 کریم زند جواز دار بیقرار گذشت

سه از نود ، نو از صد ، صد از هزار گذشت
 ابتدا جسد او را در مارت آلاء فرنگی که بهین منظور ساخته بود مدفون
 ساختند ولی بعداً « آقامحمدخان قاجار » استخوانهای او را بیرون آورده
 بتهران برد و در زیر پلکان کاخ گلستان مدفون ساخت ؛
 در سال ۱۳۰۴ ه . ش با امر « اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر » بقایای
 استخوانهای او را بیرون آورده و در قم (مجاور قبر شاه صفی و شاه سلطان
 حسین صفوی) بظاک سپردند .



آخرین تعمیرات

دو اثر مرور زمان و مخصوصاً زلزله های متوالی متأسفانه مسجد جامع عتیق اخیراً بقدری مخروبه و ویرانه شده بود که از صورت اصلی خارج شده و محل ریختن خاک و روبه و زباله گردیده بود و همانطوریکه مرحوم « فرصت الدوله » در آثار عجم نوشته است :

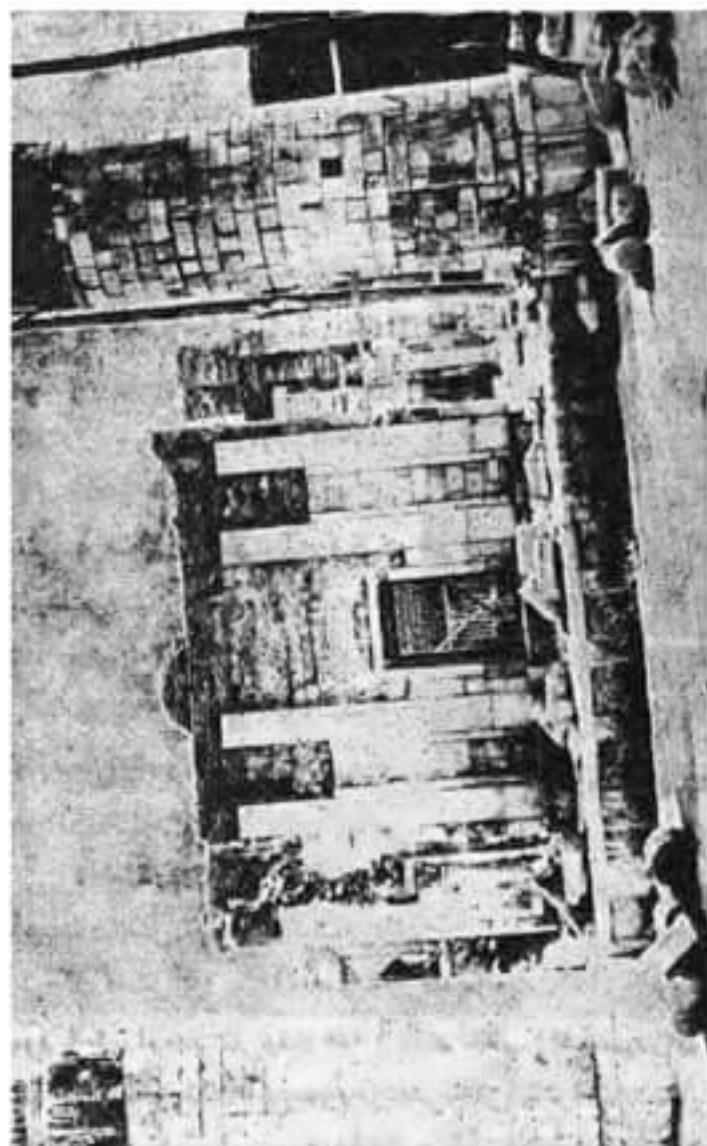
« عالیها سافلها شده !! »

خرابی آن بحدی بود که اگر کسی میخواست آنرا تعمیر کند ناگزیر به تجدید بنیان آن بود و آنهم بواسطه سنگینی مخارج از عهده کسی بر نمی آمد چنانکه بهمین سبب گریه مخان و کیل از تعمیر و مرمت آن منصرف گردید .

علاوه بر آن درالسنه و افواه چنین شهرت داشت که اگر کسی بتعمیر مسجد پردازد فوری میمیرد و لذا کسی جرأت تعمیر آنرا نمی نمود !
علاوه بر ویرانی و خرابی طاقها و شبستانها، تل انبوهی از نخاله و خاک و روبه و زباله در هر قسمتی از آن انباشته شده بود که انتقال آنها محتاج بیول زیادی بود .

بهمین جهت وقتی که در سال ۱۳۱۵ شمسی اداره باستانشناسی فارس تأسیس شد و خواستند تعمیراتی در آن بنمایند مشاهده کردند که قابل تعمیر نیست و بدستور مرحوم سرلشکر علی ریاضی رئیس فرهنگ

آنوقت فارس فقط دور خدایخانه را دیواری کشیدند تا محفوظ بماند
 و از مرمت بقیه مسجد مأیوس گردیدند !
 وضع ناهنجار این مسجد و ویرانی بی اندازه آن موجب تأسف و تأثر
 عمومی بود و پیش از همه آیت الله فقید مرحوم حاج شیخ یوسف جدائق



نونه ویرانیهای سابق مسجد جمعه

اعلی‌الله مقامه که از علماء و مجتهدین مبرز و محترم شیراز بود از خرابی و ویرانی این مسجد متأثر و متأسف بود (۱) و لذا در سالهای ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ هجری شمسی مردمی برای تعمیر و حرمت مسجد مزبور تشویق کرد. آن مرحوم در عرض مدت سه سال متجاوز از یکصد هزار ریال جمع آوری و بمصرف تعمیرات رسانید.



مرحوم آیت‌الله
حاج شیخ یوسف حدائق

۱- مرحوم حجة الاسلام آیت‌الله آقای حاج شیخ یوسف حدائق از علماء مبرز و مجتهدین محترم شیراز بود که در فنون ادب و علوم قدیمه و فقه و اصول و مخصوصاً زبان و ادبیات عربی تبحر کامل داشت. فقید سعید از آزادی خواهان و روشنفکران معروف صدر مشروطیت بود و در راه تعمیم فرهنگ و استقرار مشروطیت مجاهدت بسیار نمود و لذا مردم حقشناس شیراز هنگام انتخابات دوره اول مجلس شورای ملی او را بعنوان «مجتهد طراز اول» انتخاب نمودند. آن مرحوم در نوشتن قانون اساسی شرکت داشت و در واقع بتوب بستن مجلس شورای ملی با زحمات زیاد فراز

نمود و از راه ترکیه بسکه معظمه مشرف گردید. فقید سعید سالها در مدرسه منصوریه شیراز مدرس بود و عده زیادی طلاب از محضر درس ایشان استفاده و استفاضه میکردند. آن مرحوم در حسن خلق و تواضع بیمثل بود و در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی برحمت ایزدی پیوست و در جوار حضرت شاهچراغ (ع) مدفون گردید.

سپس روز اول ماه مبارك و رمضان سال ۱۳۶۱ هجری از ایت الله آقای حاج سید عبدالعسین دستغیب (۱) دعوت کرد که امامت مسجد جمعه را بپذیرد و همانروز اول خود بایشان اقتدا کرد و سپس بمنسب رفته و مردم را بشرکت در تعمیرات مسجد و دادن اعانه تشویق فرمودند.



۱ - حضرت
 آیت الله آقای
 حاج سید
 عبدالعسین
 دستغیب امام
 کنونی مسجد
 جمعه از
 خانواده
 بزرگ و
 معروف
 روحانی
 دستغیب شیراز
 و فرزند
 مرحوم
 حجة الاسلام
 آقای میرزا
 محمد تقی مجتهد
 میباشند.
 آقای حاج
 دستغیب

آیت الله آقای حاج سید عبدالعسین دستغیب

مقدمات ادبیات فارسی و عربی و فقه و اصول را در شیراز تحصیل کرده و سپس برای
 بقیه ذیل صفحه بعد

از همان روز طبقات مختلفه مردم باشوق و علاقمندی و آفری در تعمیر و مرمت مسجد شرکت کردند .

سرتاسر آنماه روزهای جمعه خود آقای حاج دستغیب وعده زیادی از مردم در مسجد جمعه حاضر شده ونخاله هارا بر میداشتند و « قربتاً الی الله » مانند بکنفر عمه کار میکردند .

سپس عده زیادی از مؤمنین ومسلمانان پاك نهاد بدادن اعانه پرداختند وحتی زنها زینت آلات خود را درراه تعمیر « خانه خدا » اهداء کردند . جمعی دیگر هر کدام تعمیر قسمتی از مسجد را تقبل کردند بطوریکه اگر بخواهند میزان پولی را که درراه تعمیر و مرمت این مسجد بمصرف

بقیه پاورقی صفحه قبل

تکمیل آنها بنجف اشرف مشرف گردید و پس از اینکه بدرجه اجتهاد رسید بشیراز مراجعت کردند و ابتدا در مسجد باقرخان بامامت پرداختند و سپس چون جمعیت زیاد شد بمسجد طبالیان رفتند و چون درجه علم و فضیلت وزهد و تقوای معظم له مورد توجه عمومی گردید وعده زیادی هنگام اقامه نماز بایشان اقتدا میکردند و در مسجد طبالیان جا کم بود دعوت مرحوم خدامق را پذیرفته و در مسجد جامع عتیق باقامه نماز پرداختند .

آقای حاج دستغیب درحسن خلق وتواضع و مردم داری بی نظیر و درزهد و ورع وتقوا معروفیت بسیاری دارند و بهمین سبب امروزه در شیراز و در میان مردم محبوبیت زیادی دارند و مرجع عمومی است

انتقال آقای حاج دستغیب بمسجد جمعه بزرگترین قدمی برای تعمیرات این مسجد بود زیرا که عمران و آبادی و احیاء این مسجد مرهون کوششها و تشویقهای معظم له است که چون عموم طبقات بایشان ایمان و علاقه قلبی دارند ومورد اعتماد عمومی میباشد همیشه باشاره ایشان کمکهای بیدریغ خود را درایستراه مبنول داشته ومیدارند .

رسیده حساب کنند از ملیون ها متجاوز است .
 بدیهی است وجود آیت الله آقای حاج دستغیب و علاقمندی و افری که
 عموم طبقات به معظّم له دارند سبب عمده و اصلی احیاء این مسجد گردیده
 و تعمیرات آن بدین ترتیب صورت گرفته است :

۱ - قسمت شمالی مسجد را مرحوم حاج علی آقا قابل با هزینه خود و اعاناتی
 که جمع آوری نمود تحت نظر آقای سید حسن ذوالنور معمار مرمت کرد .



طاق شمالی که از طاقهای زیبا و مهم مسجد جامع است

- ۲ - قسمت غربی - را مرحوم حاج مصطفی اسلامی بهزینه خود تحت نظر آقای حاج حسینعلی اسلامی پی ریزی و ساختمان کرد .
- ۳ - قسمت شرقی بوسیله اعانات جمع آوری شده تحت نظر مرحوم حاج حسین آقا جمشیدی تعمیر گردید .
- ۴ - شبستان جنوبی که منبر ۱۴ پله در آن است بوسیله اعانات و تحت نظر مرحوم جمشیدی و معماری حاج محمد فصیحی تعمیر گردید .
- ۵ - سناك فرش مسجد و سه حوض آن را بوسیله اعانات و تحت نظر مرحوم حاج عبدالوهاب احراری مرمت گردید .
- ۶ - سردر شمالی (سردر دوازده امام) و همچنین سردر های شمال غربی و شمال شرقی و جنوب شرقی بوسیله اعانات و تحت نظر مرحوم جمشیدی تعمیر شد .

شبستان بزرگ جدید

در زاویه جنوب غربی مسجد که طاقهای آن فرورفته بود ، در طول سالهای متمادی ، نخاله ها و خاک کوبه های زیادی انباشته شده بود بطوریکه تل بزرگی را تشکیل میداد و هر کسیکه آنرا میدید باور نمیکرد که روزی بتوان آنهمه نخاله ها را برداشت و بجای آن شبستانی ساخت ؛ ولی تشویقهای حضرت آقای حاج دستغیب و محبوبیت معظم له موجب گردید که جمعی از متدینین و مردم با ایمان همت و فتوت بخرج دهند و بمضمون:

« هم الرجال تطلع الجبال »

با جمع آوری اعانات و کوششهای بسیار موفق شدند که آن تل

بزرگ نخاله و خاکروبه ها را با مخارج هنگفت بردارند و بجای آن يك شبستان بزرگ و سالن وسیع و مجللی که طولش متجاوز از ۴۰ متر و عرضش در حدود ۳۳ متر است با بتون آرمه و تیر های آهن بسبك بسیار زیبایی بسازند و خوشبختانه هم اکنون ساختن و تزئینات آن نزدیک با تمام است. مخارج برداشتن نخاله ها و ساختن این شبستان متجاوز از ده میلیون ریال گردیده است.

نقشه شبستان را آقای مهندس صدر هاشمی ترسیم کرده و آقای فیضایی معمار و بعد از ایشان استاد جلال معمار آنرا ساخته اند.

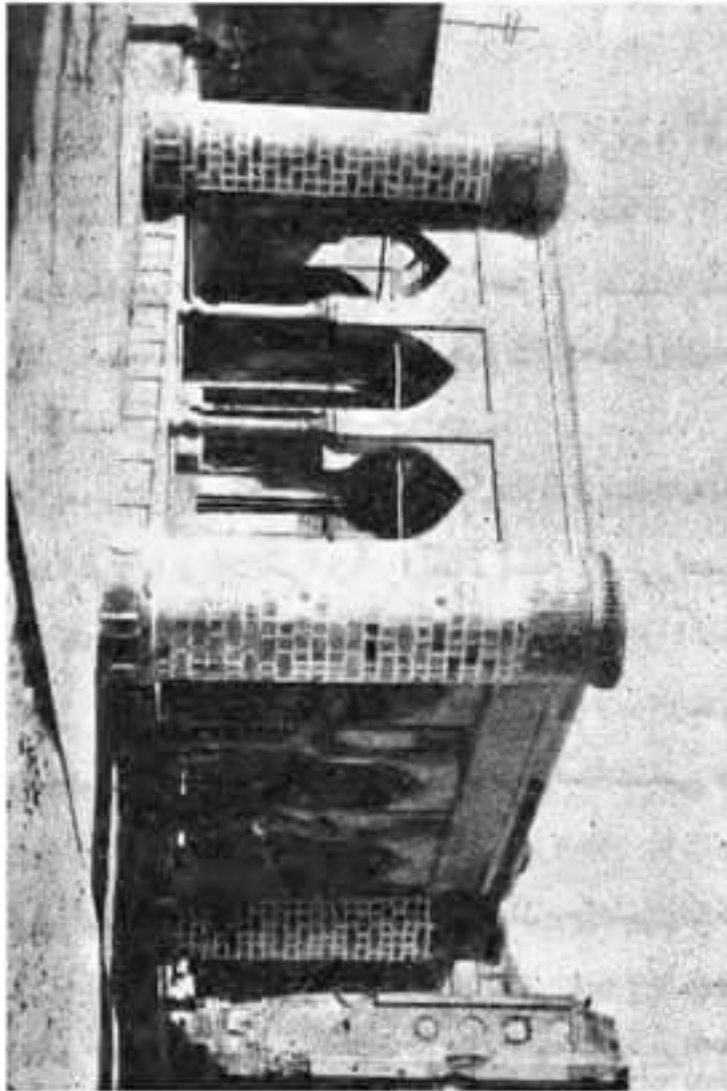
موفقیت در اینکار بزرگ و اتمام تعمیرات و ساختن این شبستان وسیع و مجلل و بی نظیر مسجد جمعه مرهون وجود حضرت آیه الله آقای حاج دستغیب متع الله المسلمین بطول بقائه میباشد.

علاوه بر این تعمیراتی که به وسیله مردم صورت گرفته، اداره باستانشناسی فارس هم «خدا یخانه» و چند سردر آنرا بطرز بسیار زیبایی تعمیر و مرمت کرده و کاشی کاری آنها را تکمیل نموده است که از آنجمله است سردر غربی (سردر یزدی بندی) و ساختمان ایوان و سردر جنوبی و هنوز هم این تعمیرات و مرمت ها، چه از طرف اداره باستانشناسی و چه از طرف مردم ادامه دارد.

در این تعمیرات عده بیشماری مسلمانان با ایمان و مؤمنین پاك نهاد شرکت کرده و اعانه داده اند که چون برای تظاهر و ریا نبوده، مایل نیستند که نامشان ذکر شود و لذا ما هم به تبعیت از میل آنها، از ذکر نامشان خودداری کردیم. خداوند بهمه آنها پاداش نيك عطا فرماید.

خدايخانه يا دار المصحف

در وسط حیاط مسجد جامع عتیق اطاق مکعب شکلی است که کرسی آن قریب یکمتر از کف صحن مسجد مرتفع است و دور تا دور آنرا ابوانی بعرض دو متر فرا گرفته و «خدايخانه» و «دار المصحف» و «یت المصحف» و «خداخانه» نامیده میشود.



خدايخانه

در چهار گوشه این بنا چهار ستون مدور مناره مانند است و سقف ایوانهای شرقی و غربی آن هر يك بوسیله چهار ستون و ایوانهای شمالی و جنوبی آن هر يك بوسیله دو ستون سنگی پایدار است .

ابعاد عمارت مزبور با ایوانها عبارتند از ۱۲ در ۱۰ متر و ابعاد اطاق وسط ۸ در ۶ متر میباشد .

بنای این عمارت سنگی در سال ۷۵۲ هجری قمری بوسیله « شاه شیخ ابواسحاق اینجو » پادشاه فارس صورت گرفته است و گویا دو طبقه بوده است . (۱)

۱- از قرآن چنین استنباط میشود که پیش از ساختمان کنونی ، اطاقی بنام « دارالمصحف » در محل خدايخانه فعلی بوده است ولی « شاه شیخ ابواسحاق » آنرا بدینصورت در آورده است بدلائل زیر :

اول - مؤلف کتاب « شدالازار » در صفحه ۳۸۸ (چاپ تهران - ۱۳۳۸ شمسی) در ضمن شرح حال « مولانا سعدالدین احمد الفارسی » نوشته است که :

« .. یدرس فی القصة العامرة بین الجامع العتیق ... »

و از این عبارت چنین مستفاد میشود که « وسط مسجد » (یعنی در محل فعلی خدايخانه) اطاقی بوده که دیوارهای آن مشبك بوده (مانند قفس) و تصور میرود که اطاقی بوده که سنگهای مشبك در اطراف آن کار گذاشته بودند تا جریان هوا را تسهیل کند ، چنانکه اکنون هم دو طرف آن سنگهای مشبك وجود دارد .

اگرچه در ضمن شرح حال « مولانا سعدالدین احمد الفارسی » تاریخ تولد و وفات او قید نشده ولی چون نوشته شده است که :

« ... و كان مولانا السعيد هجداً لدين اسماعيل يكمره اكراماً

عظيماً ... »

بقیه ذیل صفحه بعد

در کتاب «شدالازار» نوشته شده است که :

«... در این مسجد (جامع عتیق) دارالمصاحفی است که در آن قرآنهای کاملی است (۱) و بعضی از آنها بخطوط صحابه پیغمبر (س) و تابعین است و مخصوصاً قرآنهای بخط «امیر المؤمنین علی و حسین و علی ابن الحسین و جعفر» (علیهم السلام) و غیر ایشان میباشد و در

بقیه پاوردقی صفحه قبل

و سال وفات مجدالدین اسماعیل که معاصر او بوده سال ۶۶۶ ه. ق بوده و این تاریخ پیش از سال ۷۵۲ میباشد که شاه شیخ ابواسحاق خدایخانه را ساخته است.

دوم - در پشت یکی از سی پاره‌هاییکه پیش از زمان شاه شیخ ابواسحاق یعنی (سال ۵۶۸ ه. ق) وقف شده تصریح گردیده که در «بیت المصحف» گذارده شود و گراور عین آن وقف نامه و نمونه سی پاره مزبور بعداً چاپ میگردد.

پس باین دلایل ثابت میشود که پیش از اینکه شاه شیخ ابواسحاق خدایخانه فعلی را بسازد اطاعتی (و با بقول صاحب شدالازار قفسی) بنام «دارالمصحف» در وسط حیاط جامع عتیق شیراز وجود داشته است.

۱- در ترجمه‌ایکه از طرف «عیسی بن جنید» (فرزند مؤلف شدالازار) از کتاب مزبور صورت گرفته و بنام «هزار هزار» از طرف کتابخانه احمدی و جهان نما در شیراز چاپ شده است نام این دارالمصاحف را «قبر عثمان» و در نسخه خطی همین ترجمه که نزد حضرت حجة الاسلام آقای حاج شیخ ضیاءالدین، ابن یوسف حدائق است نام آنرا «دفتر عثمان» ذکر شده است و علت اینکه این دارالمصاحف را به «عثمان» نسبت داده‌اند این است که گویا قرآنی را که بوسیله عثمان بن عفان (خلیفه سوم) نوشته شده بوده و هنگام قتل او اثر خون وی بر کلام «فبیکفیکم الله» بوده، در اینجا نگهداری میشده است.

آنجا مصحفی بنعل امیرالمؤمنین «عثمان» وجود داشته که بر آن اثر کمی از خون وی بوده است و در ایام انقلاب و آشوب از دست رفته و لذ آن خبری نیست (۱) و این مسجد هیچگاه از اولیاء خدا خالی نیست و دعای در آن ، امید اجابت دارد . *



یکی از مناره های چهارگانه خدابخانه

صاحب فارسنامه ناصری در این باره چنین نوشته است :

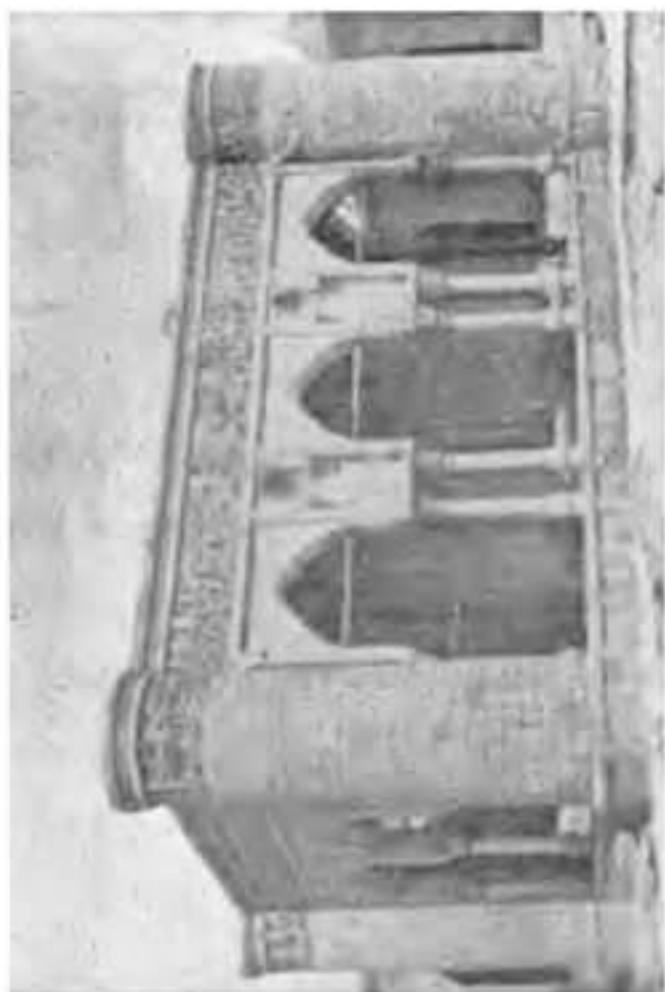
* ... درمیلان سخن این مسجد عمارتی از سنگهای تراشیده مرغوب

۲- حضرت آقای حاج ابن یوسف فرمودند که تیمسار سر لشکر محمد حسین میرزا «فیروز» نقل نمودند که چنین قرآنی را در موزه «لنین گراد» مشاهده کرده است و آقای جلال الدین پیرزاده که مدتی متعددی تعبیرات اینیه خارجی بودند و نام ایشان در جای دیگر هم ذکر شده فرمودند که در حدود سال ۱۳۲۲ شمسی دو نفر از باستان شناسان روسی که بایران مسافرت کرده بودند بشیراز آمدند و هنگام بازدید خدابخانه و صحبت از قرآن مزبور گفتند که چنین قرآنی که اثر خون عثمان بر صفحه ای از آن میباشد در موزه «بخارا» موجود است .

و کج خالص ساخته، دوره آنرا بستونهای سنگی و چهار ایوان ساخته‌اند و در میان ایوانها حجره‌ای و بر دیوارهای داخلی آن حجره و پیشانی داخلی ایوانها آیات قرآنی و احادیث نبوی بخط خوش نویسان نگاشته‌اند (۱) و در پیشانی خارجی ایوانها، سنگهای دو ذریعی، بیشتر یا کمتر، کتیبه کرده و در صفحه آنها نقاری نموده و سوره‌های قرآنی را کنجا نیده‌اند (۲) فرجه‌های آنرا بکاشی سبز پر کرده‌اند و نام این عمارت «بیت المصحف» است که چندین قرآن در آن گذاشته - هر روزه صبحها جماعتی از مسلمانان حاضر گشته، مجمعی ساخته، هر يك قدری از آنرا خوانده، بازقر آنها در بیت المصحف می‌گذاشتند و بانی این عمارت بیت المصحف پادشاه زمان «شیخ ابواسحاق پسر شاه محمود انجوی» پادشاه مملکت فارس است (۳) در سال هفتصد و پنجاه و دو با تمام رسانید.

۱- اکنون از این نوشته‌های داخل حجره و پیشانی داخل ایوانها اثری نیست
 ۲- کتیبه مزبور سوره‌های قرآنی نبوده و ما به‌دآمتن آنرا نقل خواهیم کرد.
 ۳- جمال‌الدین شاه شیخ ابواسحاق انجوی در سال ۷۴۳ ه. ق پس از منازعات چندی بسلطنت رسید و مدتی در شیراز بخوشی و کامرانی گذرانید و ہمیش و نوش مشغول گردید. امیر مبارزالدین در سال ۷۵۳ شیراز را معاصره کرد و سال بعد وارد شیراز شد و شاه شیخ ابواسحاق متواری گردید و هاقبت در سال ۷۵۸ گرفتار و مقنول شد.
 حافظ که معاصر وی بوده در چند جا اشاره باین پادشاه کرده است چنانکه گوید:

بمهد سلطنت شاه شیخ ابواسحاق به پنج شخص هجبت ملك فارس بود آباد
 بقیه پاورق ذیل صفحه بعد



نمای هرمی خدای یغانه

بقیه باورقی صفحه قبل

و همچنین :

راستی خانم فیروزه بو اسحاقی خوش درخشیدولای دوات مستعجل بود
 گویند چون خواستند او را بکشند ایندو رباهی را گفت :
 افسوس که مرغ هررا دانه نماند و امید به بیج خویش و بیگانه نماند
 دردا و درپنا که در اینمدت هر از هرچه بگفتیم جز افسانه نماند

ایضاً

با چرخ ستیزه کار مستیزو برو با گردش دهر در میاویز و برو
 يك كاسه زهر است که مرگش خوانند خوش درکش و جرعه بر جهان ریز و برو!

در کتاب آثار عجم نوشته شده است که :

« ... در میان مسجد نیز عمارتی است مربع که دو طبقه بوده . در آن خطوط بسیار بر احجار ، استادان صاحب فن نقش کرده اند که مطرح انظار خطاطان روزگار است . گویند در آنجا مصاحف بسیار از خطوط صحابه و تابعین بوده . و قرآنی بخط مبارک حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام و دیگری بخط حضرت امام حسن و دیگری بخط سید سجاد و دیگری بخط حضرت صادق علیهم السلام و دیگری بخط عثمان که بر آن اثر خون او بوده و آن مصاحف بواسطه فتن و آشوب از هنه از میان رفته و ابن فقیر مؤلف (فرصت الدوله) سه سال قبل بچشم خود دیدم که جایی از مسجد بواسطه بارندگی زیاد فرود آمد . از روزنه چندین جلد قرآن بطریق سی پاره بخط جلی ، بعضی باطلای اشرفی نوشته شده بود فروریخت . همه اوراقش بر سیده و خطوطش پوشیده ... » (۱)

۱- از این سی پاره ها در حال حاضر دو جلد نزد حضرت حجة الاسلام آقای حاج ابن یوسف حدائق ادام الله بقائه میباشد .

سی پاره اولی بقطع کوچک است (۱۰۰۵ در ۱۲۰۵ سانتیمتر) و شخصی بنام « محمد بن عثمان بن داود » آنرا در سال ۵۶۸ هجری قمری وقف « بیت المصاحف » مسجد جامع شیراز نموده است . عین نوشته پشت این سی پاره چنین است :

وقف هذا الجزء مع تمامه العبد الضعیف الفقیر الی رحمة الله تعالی محمد بن عثمان بن داود علی جماعة المسلمین لیقرء منه علی المسجد - الجامع بشیراز وقتاً مؤبداً مخلداً لا یباع و لا یورث و لا یوهب
(بقیه ذیل صفحه بعد)

بقیه پاورقی صفحه قبل

ولا یملك ولا یعر لیكون موضوعاً فی ((البيت المصاحف))



صفحه‌ای از سی پاره اولی

بشیر از عمرها الله فمن غیره او بدله فعليه لعنة الله و الملائكة
 والناس اجمعين وذلك في صفر سنة ثمان وستين و خمس مائة»
 دیگری که بر قطع بزرگ است (۳۳۵ در ۲۴ سانتیمتر) شععی بنام
 « نورالدین محمد کمال » در سال ۸۱۳ هـ . ق وقف بر جامع عتیق شیراز
 کرده است .

بقیه پاورقی در صفحه بعد

بقیه پاورقی صفحه قبل

این سی پاره با خطی بسیار هالی نوشته شده و در هر صفاحه ای سه سطر



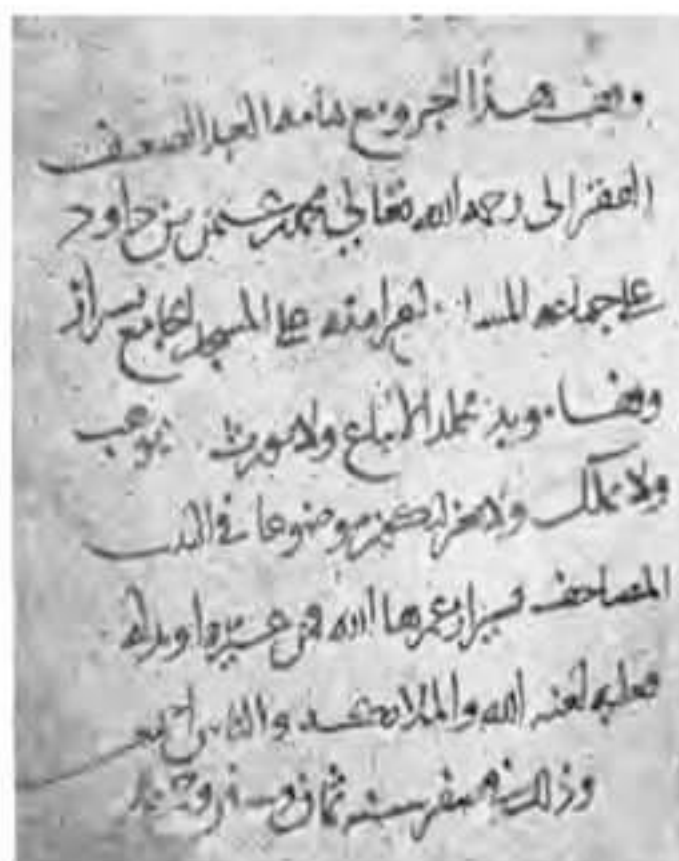
صفاحه دیگرى از سی پاره اولی

بوسیله قلم درشت و باطلای اشرفی نوشته شده و سرسوره ها و بین آیها نیز تذهیب شده است .

عین نوشته واقف که بر پشت این سی پاره است چنین است :

« بنده ضعیف نورالدین محمد کمال ، احسن الله عواقب اموره
 فی الدارین این جزو از قرآن مجید بایست و نه جزو دیگر وقف کرد
 بر جامع عتیق بدارالملک شیراز تقبل الله منه فی شهر سنه ثلاث عشر
 وثمانه هجریه نبویه . »
 بقیه در صفاحه بعد

ذنباله باورقی صفحه قبل
در کتابخانه ملی فارس نیز دو جلد سی پاره موجود است که پشت آن قید
شده است که وقف جامع عتیق شیراز میباشد .



عین وقف نامه سی پاره اولی

یکی از آنها نظیر سی پاره اولی است که محمد بن عثمان بن داود در
سنه ۵۶۸ هجری قمری وقف کرده است و همان عبارت ذکر شده هم بر پشت
آن نگاشته است و تحت شماره ۵۹۸-۲۹۷۱ ثبت شده است .
دیگری جزوی از قرآن است که محمد حسین دباغ در سال ۱۲۰۸ ه . ق
بقیه حاشیه در صفحه بعد

بقیه حاشیه از صفحه قبل
وقف جامع عتیق شیراز کرده است و تحت شماره ۲۸۹-۲۹۷۱ نگاهداری
میگردد و معلوم میشود که تا سال ۱۲۰۸ مسجد جامع عتیق رونق و اعتبار
داشته است.
در موزه پارس شیراز نیز سه جزوه قرآن نظیر سی پاره دومی آقای



صفحه‌ای از سی پاره دومی

حاج ابن یوسف موجود است که نوشته وقفنامه پشت یکی از آنها همین همان
عبارتی است که نقل شد ولی نوشته پشت دوجزو دیگر به بنسب می باشد ؛
وقف کرد وقفی منجد و مصدقی موبد صاحب اعظم اکرم
بقیه ذیل صفحه بعد



صفحه دیگری از سی پاره دومی

افتخار وزراء عالم نور اخلاق اکابر بنی آدم الموصوف بالخیرات
 الجاریه المشعوف بالمبرات العالیه خواجه نور الحق و الدین
 محمد ابن الصاحب الاعظم السعید الاقدم الشهید خواجه کمال -
 الحق و الدین لطف الله اعلى الله تعالى شانه واسبغ علیه فضله و اعانه
 این جزو از کتاب منیر مع تمام آخر الثلثین بر مسجد عتیق شیراز حفت
 بالاعزاز بشرط آنک از این مسجد مبارک و محل متبرک بدر نبرند و هم در
 بقیه در صفحه بعد

همانطوریکه مسجد جامع از زلزله و گذشت زحمان رو بوبرانی نهاده بود، خدایخانه نیز از خرابی وانهدام مصون نمانده بود مخصوصاً کتیبه اطراف آن که بخط ثلث بر روی سنگهای یکپارچه نگاشته شده و بین کلمات و خطوط مزبور نقاری کرده و سپس با کاشیهای معرق آنرا پر کرده بودند، باستثنای قسمتهای متفرقی از آن، بقیه ریخته و معلوم نبود



هین وقف نامه سی باره دومی

بقیه حاشیه صفحه قبل

این مسجد از این جرو و سایر اجزاء بتلاوت قرآن و قرائت فرقان قیام نمایند
تقبل الله حسناته و وقفه بمرضاته فی شهر رمضان المبارک ثلاث
عشر فثمانائة»

که چیست؟ (۱)

از سال ۱۳۱۵ شمسی اداره باستانشناسی تصمیم گرفت که خدایخانه را مرمت کند و آنرا بصورت اولیه در آورد. از اینرو مرحوم سرلشکر علی ریاضی رئیس آنموقع فرهنگ فارس که بآثار باستانی علاقه وافری داشت با کمک و مساعدت دانشمند محترم آقای علی سامی رئیس سابق اداره آثار باستانی فارس و بنگاه علمی تخت جمشید که خدمات گرانبهایی در راه احیاء آثار باستانی و تکایا و بقاع شیراز و فارس انجام داده است، دور خدایخانه را حصار کشید و هر چه سنگهای شکسته و کتیبه‌های مختلف در داخل و خارج از خدای خانه ریخته و پراکنده بود در یکی از شبستانهای مسجد گرد آوردند و با تحمل زحمات بسیار و دقت وافر شروع بخواندن آنها نمودند ولی چون بسیاری از خطوط و کلمات آن مفقود شده بود، تلفیق و تنظیم آن خیلی مشکل بود تا عاقبت فاضل ارجمند آقای محمد جعفر واجد (۲) که از شعرای معروف معاصر میباشند با دقت نظر و حوصله زیاد توانست کتیبه مزبور را تکمیل کند و کلمات ریخته شده را از روی قرینه بقیه خطوط باقیمانده پیدا کند و کاتب هنرمند آقای سید آقا بزرگ نسابه هم بهمان سبک قدیم آنها را نوشت و آنرا دور تا دور خدایخانه نصب نمودند.

۱- سنگ نوشته مزبور که ارتفاعش قریب یکمتر است و از بهترین نوع خود میباشد با خط ثلث عالی بوسیله یحیی جمالی نویسنده معروف نوشته شده است

۲- آقای محمد جعفر واجد از فضلاء و دانشمندان و شعراء معروف معاصر است بقیه در ذیل صفحه بعد

اینک عین کتیبه تاریخی و مهم مزبور را در اینجا درج مینماید و توضیح میدهد که کلماتیکه زیر آنها خطوط است آنها می است که از نوشته قدیم باقی بوده و بقیه کلماتی است که آقای واجد یافته و تملیق کرده اند. بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله الذي خلق الارض والسموات في احسن البدايع واللطائف وفضل بنى نوع الانسان على كثير من

بقیه حاشیه صفحه قبل

که مدتهاست در فرهنگ بتدریس ادبیات فارسی و عربی اشتغال دارند . آقای واجد در ادبیات فارسی و عربی تبحر کامل دارند و مخصوصاً شعر را بسبب قدماء خیلی محکم و پخته و استادانه میسرایند . فصاحت و بلاغت انسجام کلمات و داشتن مضامین عالی عرفانی و نکات باریک و لطیف از خصوصیات

اشعار آقای واجد است و بهین جهت است که بقول استاد سخن سعدی « رقعہ اشعارش را چون کاغذ زر میبرند و در محافل ادبی نقل مجالس است »

آقای واجد با اینهمه فضائل و کمالات مردی است متواضع و دانا و حسن خلق - متدین و متقی ، رفیق شفیق و دوست صادق .

برای شرح مفصل ایشان مراجعه شود به منابع زیر:

۱- کتاب دانشندان و سخن - سرایان فارس جلد چهارم

۲- کتاب شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور : تألیف نکارنده

۳- کتاب شیراز در گذشته و حال : تألیف آقای امداد

۴- تاریخ و جغرافیای پرازدان : تألیف آقای فراشبندی .



آقای محمد جعفر واجد

خلقه بشرف العلوم والمعارف ثم بعث منهم الانبياء والمرسلين برحمته
الواسعة الكاملة والطفه الظاهرة الشاملة وجعل في الارض خلائف
واقاض بمكانتهم على الخلائق انواع العوارف و وفق المقتدين
بسننهم لتأسيس المساجد و بيوت المصاحف و اشرف المقتفين لسنتهم
لاعلاء معالم الدين و ايد المهتدين الى سبيلهم في احياء مراسم
اليقين و اسعد المطيعين لامرهم في اقامة الاقضية و الاحكام و ازاحة
الشبهات و الاوهام و سدوا المتبعين بطريقهم في تنقيح الكلام و تصحيح
عقائد الانام الذي ختم النبوة و الرسالة بالنبى العربي القرشى
محمد الهاشمى صلوات الله عليه و آله و اصحابه و بعد فان الله امر
بتعظيم المساجد و عمارتها و قال في كتابه في بيوت اذن الله ان
ترفع و يذكر فيها اسمه يسبح له فيها بالغدو و الاصال و قد رفع
هذا البيت المتطهر بتوفيق الملك المقتدر السلطان العادل القاهر
جمال الدين و الدنيا و الملة ابو اسحاق بن شرف الدين محمود شاه
بلغه الله نهاية آماله و خوله ما يتمناه بعميم افضاله و يرض غيرة
احواله بجسيم نواله و احسن اليه بدوام عزه و جلاله و تقبله من
حسنات اعماله و جعله ذخيرة ليوم جزائه و اعطاه ما يريد و يتمناه
و آتاه اجر آ جزى لا و اولاه ثواباً جميلاً و يجازيه بالرحمة و الغفران
و يكافيه بالعبود و الاحسان و وفاه الجزاء الاوفى و اعدله الدرجات
العلوى و احسن اليه بالكرامة و الحسنى و شرفه بالقرب و الزلفى
و يسره لليسرى و ايدته فى الدنيا و اسماء فى الاولى و اناله ما يرضاه
فى الاخرى فى حجة اثنتين و خمسين و سبعمائة الهالاه الموافقة
لسنة الجمالية حامداً و مصلياً - ٧٥٣ .

بطوریکه آقای
 واجد اظهار داشتند
 ضمن سنگ پاره‌ها
 قطعه سنگی بوده که
 روی آن نوشته شده بود
 « کتبه یحیی الجمالی
 الصوفی » و ثابت
 میکرد که کتیبه فوق
 بنام « یحیی جمالی »
 است و این یحیی جمالی
 از خوشنویسان معروف
 آن دوره است که
 قرآن‌ها و سی پاره‌های
 خط او اکنون در
 « موزه پارس » موجود
 است .

بالاخره در ظرف دهسال
 با کوشش اداره باستان
 شناسی (۱) و زحمات

پاورقی در صفحه بعد



نمونه کتیبه معروف امیرالک خدایجان

آقای واجد و آقای نسابه، خدایخانه بصورت اولیه و طرز آبرومندی تعمیر و مرمت شد و کتیبه فوق الذکر در اطراف خارجی خدایخانه دوازده کتبه دیگر از آیات قرآنی و غیرها بهمان سبک خط یعنی جمالی بانتخاب آقای واجد و خط آقای نسابه تهیه و اطراف بیت المصحف (در ایوانها) نصب گردید.

از این دوازده کتیبه شش عدد بزرگ و شش عدد کوچک است بشرح زیر: در ایوان شمالی دارالمصحف - در این ایوان، در ورودی خدایخانه قرار دارد که گرادر آنرا مشاهده میفرمائید. بالای این درسه کتیبه است. یکی بزرگ و دو کوچک.

متن کتیبه بزرگ که شامل تاریخ تعمیر و مرمت اخیر است بقرار زیر میباشد:

« بسمه تعالی . هنگام سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی تعمیر و تجدید ساختمان بیت المصحف که بتوسط وزارت فرهنگ در سال ۱۳۱۵ آغاز گردیده بود با هنرمندی استادان فن انجام و اتمام پذیرفت .

تلفیق کننده کتیبه : محمد جعفر واجد - کاتب : سید آقا بزرگ نسابه
معمار : استاد عزیز صرافت - حجار : میرزا رحیم صمیم - کاشیکار :

یاورقی صفحه قبل

۱- در عرض این مدت بترتیب آقایان : هلی سامی - فریدون توالی و جلال الدین پیرزاده متصدی اداره باستانشناسی فارس بوده اند که کوشش و علاقمندی آنها در ساختن کتیبه های خدایخانه و نصب آنها و مرمت طاقها و سردرها و تعمیر سایر ابنیه تاریخی شایان تمجید و تقدیر بسیار است .

سید هاشم سنه ۱۳۲۶ شمسی - ۱۳۶۶ هجری *

در جزر طرفین این در ، شعر زیر را سابقاً بر روی سنگ نقر کرده اند
 ان آثارنا تدل علينا فانظروا بعدنا الى الآثار
 واذكروا كلنا بنعت الخیر فی دعاء العشی والابکار

کتیبه پیرمحمد

در همین قسمت سنگی است که کتیبه ای باخط نثک بسیار عالی بر روی آن
 نقر شده است ولی متأسفانه ناقص است و قسمت آخر آن از بین رفته است .



در مدت کاری خدایخانه در ایوان شمالی که از لحاظ هنری اهمیت دارد .

عين كتيبه مزبور كه با كمك آقاي واجد خوانده شده است بشرح
زير ميباشد :

بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله و سلام على عباده الذين
الصطفا خصوصا على اشرف الرسل و قدوة الاصفياء محمد و آله -
الطيبين و صحابه و الذين اتبعوا هم باحسان الى يوم الدين و بعد
بناير امثال فرمان و اجب الاذعان ان الله يأمر بالعدل و الاحسان
در اين ايام خجسته فرجام كه از اوضاع روي زمين طبق ان الارض
لله يورثها من يشاء من عباده و العاقبة للمتقين منافع معدت و انصاف
و مساوي جور و اسراف بر جليه احوال و خاتمه اعمال سلاطين
بعين اليقين مشاهده ميروند و حراست مملكت فارس و اطراف حفت
بالالا و اعطاف از تقدير حكمت تأثير الهى در المستظهر
بعنايت الملك

درايوان شرقى - در اين ايوان يك پنجره سنگى قرار دارد و بالای
آن دو كتيبه بزرگ و يك كتيبه كوچك است . متن دو كتيبه بزرگ
چنين است :

۱- يعلم ما يلج فى الارض و ما يخرج منها و ما ينزل من السماء
و ما يعرج فيها و هو معكم اينما كنتم و الله بما تعملون بصير -
له ملك السموات و الارض و الى الله ترجع الامور .
۲- هو الذى انزل عليك الكتاب منه آيات محكمات هن ام الكتاب
و اخر متشابهات فاما الذين فى قلوبهم زيغ فيتبعون منه ما تشابه
منه ابتغاء الفتنة و تأويله و ما يعلم تأويله الا الله و الراسخون فى العلم
يقولون آمنا به كل من عند ربنا و ما يذكر الا اولوا الالباب .

درايوان جنوبى - در اين ايوان در ورودى دېكر بيت المصحف است
و بالای آن يك كتيبه بزرگ و دو كتيبه كوچك است . متن كتيبه بزرگ

سوره مبارکه « انا انزلناه فی لیلة القدر ... » میباشد .

در ایوان غربی . در این ایوان يك پنجره سنگی و در گذشته سابق است که فعلاً پله ایست که به پشت بام خدایخانه می رود و بالای آن دو کتیبه بزرگ و يك کتیبه کوچک است . متن دو کتیبه بزرگ آن چنین است :

۱ - الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب ولم يجعل له عوجاً
قیماً لينذر بأساً شديداً من لدنه و يبشر المؤمنين الذین يعملون
الصالحات ان لهم اجراً حسناً ما کثیرین فيه ابدآ و ينذر الذین قالوا
تخذ الله ولداً .

۲ - قال الله تعالی ان الله و ملائکته يصلون علی النبی یا ایها
الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیماً - اللهم صل علی محمد و
آل محمد و عجل فرجهم و فرجنا بهم .

شش کتیبه کوچک ، آیات کوچک قرآنی است .
کتابخانه مسجد جامع عتیق

پس از اینکه تعمیرات خدایخانه اتمام پذیرفت ، در نظر گرفته شد که در محل خدایخانه کتابخانه ای تأسیس شود .

در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی بتشویق آقای حاج دستغیب و کمکهای آقای علی سامی رئیس اداره باستانشناسی فارس ، آقای منوچهر تفنگدار که جوانی بالیمان و دانش پژوه است تأسیس و تنظیم کتابخانه مزبور را عهده دار شدند و در عرض این مدت ، با کوشش بسیار و علاقمندی فراوانی که به خرج دادند ، وزارت فرهنگ ، دانشگاه تهران و جمعی از دانشمندان و مؤلفین مخصوصاً جناب آقای علی اصغر حکمت استاد بلند پایه دانشگاه تهران کتب بسیاری را بکتابخانه مزبور اهداء کرده اند بطوریکه هم اکنون متجاوز از یک هزار جلد کتب دینی ، علمی ، تاریخی و ادبی در آنجا گرد آمده و مورد استفاده عمومی است .

پیشنهاد

با اینکه در عرض اینمدت ، مخارج زیادی برای تعمیرات مسجد جمعه صورت گرفته و اکنون بصورت آباد و آبرومندی درآمده ولی بمضمون :

بناهای آباد گردد خراب زباران و از تابش آفتاب
یقیناً پس از مدتی محتاج بتعمیر و مرمت خواهد گردید و باید این تعمیرات مستمر و دائمی ، ادامه داشته باشد .

روزی که « عمرولیت » این مسجد را ساخت برای اینگونه مخارج و تعمیرات مداوم آن رقباتی وقف کرد که متأسفانه اکنون از آنها اثری نیست !

چقدر خوب و شایسته است که مسلمانان متمکن و مؤمنین خیراندیش و آنهاست که امید آمرزش از درگاه حضرت احدیت دارند ، رقبات و یا مستغلاتی را وقف بر این مسجد شریف نمایند تا عوائد آن تحت نظر امام مسجد ، بمصرف تعمیرات لازمه آن برسد و باین ترتیب این مسجد بار دیگر بصورت ویرانی و خرابی نیفتد .

البته پروردگار بزرگ در دنیا و آخرت اجر جزیل بایشان عطا خواهد کرد که فرموده است :

« فمن يعمل مثقال ذرة خیراً یره . »

خاتمه

هم اکنون اداره باستانشناسی فارس و هیئت مأمور تکمیل شبستان بزرگ و سایر مسلمانان نیکو کار مشغول تکمیل تعمیرات شبستانها و طاقها و سردرها و صحن این مسجد بزرگ و قدیمی میباشد و امید است که بهمت اداره باستانشناسی و فتوت مردان نیک نهاد و کوشش حضرت آیت الله آقای حاج دستغیب تعمیرات آن از هر حیث کامل گردد و این مسجد بزرگ و مهم قدیمی بصورت اولیه در آید.

در پایان لازم است که از زحمات و خدمات بیشایبه و پراچ و مؤثر آقایان زیر :

- ۱- آیت الله فقید مرحوم حاج شیخ یوسف حدائق اعلی الله مقامه
- ۲- حجة الاسلام و المسلمین حضرت آقای حاج سید عبدالحمین دستغیب ادام الله بقائه .
- ۳- آقای سید محمد تقی مصطفوی مدیر کل محترم سابق اداره باستانشناسی ایران .
- ۴- مرحوم سر لشکر علی ریاضی رئیس اسبق فرهنگ فارس
- ۵- دانشمند محترم آقای محمد جعفر واجد
- ۶- آقای علی سامی رئیس سابق اداره باستانشناسی فارس و بنگاه علمی تخت جمشید و پاسارگاد (۱)

۱- آقای علی سامی فرزند آقای بزرگ سامی از دانشمندان و نویسندگان و محققین معاصر است که پس از مدتی خدمت در فرهنگ بریاست اداره بقیه در صفحه بعد

بلبه پاورقی صفحه ثلث

باستانشناسی فارس و بنگاه علمی تخت جمشید و بازار گاد منصوب گردید و متجاوز از بیست سال چه در قسمت کاوش‌های علمی و تحقیقات باستانشناسی و چه در تعمیر و مرمت تکابا و آثار باستانی خدمات ذبیبستی انجام داده است که از آنجمله است کاوش‌های مهم در تخت جمشید و بازار گاد - ساختن آرامگاه حافظ - تعمیر و مرمت مسجد جامع هتبق و مدرسه خان - تعمیر و مرمت تکابا و آرامگاههای بزرگان و عرفای شیراز که شرح آنها در دو کتاب گزارش‌های باستانشناسی مجلد دوم و چهارم مندرج است .



آقای علی سامی

آقای سامی در غالبی از مجامع و انجمنهای علمی و ادبی شیراز عضویت دارند و «سوس و دبیر انجمن «کانون دانش پارس» است و در دانشکده ادبیات شیراز رشته باستانشناسی را تدریس میکنند .

آقای سامی صاحب تألیفات متعددی است که معروفترین آنها عبارتند از:
 ۱- گزارش‌های باستانشناسی ۲ جلد
 ۲- تاریخ پیدایش خط و تحول آن
 ۳- آثار باستانی جلگه مرودشت
 ۴- پاسارگاد بزبان فارسی و انگلیسی ۲ جلد

۵- تخت جمشید بزبان فارسی و انگلیسی ۲ جلد

۶- شیراز « « « « ۲ جلد

برای شرح حال مفصل ایشان رجوع شود به :

۱- دانشمندان و سخن سرا بیان فارس جلد سوم

۲- شهر شیراز باخال رخ هفت کشور تألیف نگارنده

۳- شیراز در گذشته و حال تألیف آقای امداد

۴- شیراز امروز تألیف آقای مدرس صادقی

۷- آقای فریدون توللی رئیس کنونی اداره باستانشناسی فارس (۱)

۱- آقای فریدون توللی فرزند شادروان میرزا جلال خان توللی ازدانشمندان بنام و نویسنده گان زبردست و شعراء خوش قریحه معاصر است که در نظم و نثر از خود استادی و مهارت بروز داده است .

آقای توللی با قریحه تابناک و ذوق سرشار خویش با حفظ اصول قدیمی شعر کلاسیک ، سبک بدیعی در شعر نو با مضامین تازه و بدیع بوجود آورده و مبتکر سبک نویینی گردیده که مورد توجه ادباء و فضلا کشور قرار گرفته است .



آقای فریدون توللی

آقای توللی در جراند و مجلات شیراز و تهران مقالات سیاسی و انتقادی و علمی و ادبی زیادی و قطعات اشعار گوناگون بسیاری نگاشته و چند کتاب هم تألیف کرده است که معروف ترین آنها «رها» در نظم و «القفاصیل» بقیه ذیل صفحه بعد



آقای جلال الدین پیرزاده

۸- آقای جلال -

الدین پیرزاده متصدی

سابق تعمیرات ابنیه

تاریخی فارس (۱)

۹- آقایان بزرگ

نسابه ، رحیم مصمیم ،

عزیز صرافت و سید

هاشم حیدری هنرمندان

معروف

۱۰- مؤمنین و

مسلمانانیکه در

بقیه پاورقی صفحه قبل

در نشر است. با اینهمه فضائل و کمالات جوانی است شو نگر موحساس وجدی ولایق

آقای توللی اکنون ریاست اداره باستانشناسی فارس و ریاست بنکاء

علمی تخت جمشید و پاسارگاد را عهده دار است .

برای شرح حال مفصل ایشان رجوع شود بمنابع زیر:

۱- کتاب دانشمندان و سخن سرایان فارس جلد دوم

۲- تذکره شعرای معاصر تألیف سید عبدالحمید خلخالی جلد اول

۳- شهر شیراز یاغال رخ هفت کشور تألیف نگارنده

۴- شیراز در گذشته و حال تألیف آقای امداد

۵- شیراز امروز تألیف آقای مدرس صادقی

۱ - آقای پیرزاده مردی است شریف و متقی و بالیدان و متجاوز از سی

سال بانهایت صمیمیت بفرهنگ خدمت کرده و همیشه مورد تقدیر قرار گرفته

است .

تعمیرات این مسجد شریف باستانی زحمت کشیده و اعانه داده و کمک کرده و علاقمندی بروز داده‌اند و هنوز هم مساعدت می‌کنند، تمجید و تحسین و قدردانی نماید.

خداوند ب همه آنها پاداش نیک عطا فرماید و این بنده گناهکار را نیز غریق رحمت خود فرماید.

شیراز . علی نقی - بهروزی

اول دیماه ۱۳۴۰ شمسی = ۱۳ رجب ۱۳۸۱ قمری



انتشار این رساله
یادبود آغاز دهمین سال تأسیس
کانون دانش پارس میباشد

با آغاز دیماه همین سال (۱۳۴۰ شمسی) «کانون دانش پارس» وارد دهمین سال تأسیس خود میشود. این مجمع ادبی و فرهنگی که در دیماه ۱۳۳۱ بهمت و پشتکار چند تن از دانشمندان و ادبا و دانش-پژوهان شیراز تشکیل گردیده است بدون تعطیل در ایام سال هرپانزده روز یکمرتبه در خانه های اعضای کانون تشکیل و بمباحث علمی و ادبی و تاریخی اوقات میگذرانند. در تابستانها که اعضای کانون فراغ سال بیشتری دارند هفته ای یکبار این جلسه تشکیل میگردد. و اینک کمال خوشوقتی و سیاسیگری را دارد که در عرض این مدت نه سال بیاری خداوند تبارک و تعالی توفیق چاپ و انتشار ۱۴ جلد کتاب را نصیب فرموده است و کتاب های دیگری نیز حاضر و آماده برای چاپ دارد که با فراهم شدن وسائل کار و مخارج بتدریج چاپ و منتشر خواهد گردید. کم برجسته وارزنده دیگری که کانون برداشته است جمع آوری و تنظیم لغات محلی و مصطلح شیراز میباشد که پارهای از آنها در اثر اختلاط و تحولات و بکار رفتن بتدریج متروک و مهجور میگردد. این مهم نیز

بهمت و پشتکار همکار ارجمند آقای علی نقی بهروزی انجام گرفته و در دو سال اخیر بیشتر اوقات جلسات کانون به بررسی و تحقیق این لغات مصروف گردیده است از خداوند توفیق چاپ و انتشار آنرا میخواهد. اعضای کانون دانش پارس به ترتیب حروف تهجی بدینقرار اند:

۱- آقای محمد حسین استخر نماینده ادوار سابق مجلس شورایی ملی و مدیر روزنامه کهن سال استخر

۲- حجة الاسلام آقای حاج شیخ ضیاء الدین ابن یوسف حدائق

۳- آقای حسن امداد رئیس دانشسرای عشائری

۴- آقای محمد مهدی ارزنگ دبیر دبیرستان های شیراز

۵- آقای دکتر ابوتراب بصیری استاد و معاون دانشکده ادبیات شیراز

۶- آقای علی اکبر بصیری رئیس کتابخانه ملی پارس

۷- آقای علی نقی بهروزی دبیر دبیرستان های شیراز

۸- آقای هاشم جاوید و کیل پایه يك دادگستری

۹- آقای احمد حشمت زاده

۱۰- آقای محمد رضا حقیقی استاد دانشکده ادبیات شیراز

۱۱- آقای زکتر اسدالله خاوری استاد دانشکده ادبیات شیراز

۱۲- آقای علی سامی استاد دانشکده ادبیات شیراز

۱۳- آقای حسین فصیحی (شیفته)

۱۴- آقای صدرالدین محلاتی استاد دانشکده ادبیات شیراز

۱۵- آقای دکتر علی محمد مزده استاد دانشکده ادبیات شیراز

۱۶- آقای دکتر محمد نفی میر استاد دانشکده پزشکی شیراز.

۱۷- آقای دکتر نورانی وصال استاد دانشکده ادبیات شیراز

۱۸- آقای محمد جعفر واجد دبیر دبیرستان های شیراز

۱۹- آقای محمد حسین رکن زاده آدمیت

دانشمند عالی مقام جناب آقای علی اصغر حکمت استاد دانشگاه تهران نیز در هر تابستان که بزادگاه خود تشریف می آورند به جلسات کانون دانش ارزش و صفای خاصی می بخشند و اعضای کانون را از اشعار و تحقیقات با ارزش خود بهره مند می فرمایند. استاد بزرگوار آقای دکتر لطفعلی صورتگر رئیس دانشکده ادبیات شیراز هر گاه در شیراز باشند و همچنین دانشمند ارجمند آقای سلطانعلی سلطانی ضمن مسافرت های خود به شیراز، با حضور در جلسات کانون، یاران و ارادتمندان خود را با بیانات شیرین و اطلاعات عمیقانه و دانشمندانه شان مستفیض و مروهون عواطف خود می فرمایند.

دانشمندان و اساتید و شخصیت های فرهنگی و علمی خارجی و داخلی دیگری نیز در جلسات کانون شرکت جسته اند که ذکر نام آنها موجب اطباب و موضوع رساله دیگری خواهد بود. ولی از ذکر نام یاران ارجمندی چون آقای دکتر شمس الدین نبوی معاون محترم استانداری فارس و آقای غلامرضا دبیران شهر دارارجمند، شیراز و همکار دبیرین آقای علی اکبر همایونی سرپرست اداره رادیو و انتشارات فارس که از بدو

درود خود بشیر از با حضور در جلسات کانون دوستان را مستفیض میفرمایند
 نمیتواند خود داری نماید. خدایند همه ذوات ارجمند و یاران را از
 گزند روزگار و چشم زخم بداندیشان و بدخواهان در امان و پناه
 خود نگاهدارد و عاقبت همه را بنخیر فرماید و این کانون دانش را سالها
 پایدار و برقرار بدارد.

« کانون دانش پارس »



